



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



با عاشورایان

پیام ها و خطابه ها

مجمع جهانی تقریب مذاهب
آماری طبع و نشر مرکز اسلامی کربلا

ویراست جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عاشورائیان

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی^ع

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	با عاشورائیان
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۹	همای سعادت
۲۳	سخن ناشر
۲۷	فصل اول: دل نوشته های عاشورایی
۲۷	اشاره
۲۹	۱: شب عاشورا
۲۹	اشاره
۲۹	ای کاش فردا نمی شد
۳۱	رزم آورد حق و باطل
۳۲	سپاه سعادت و لشکر شقاوت
۳۳	سپاه باطل و عدم بصیرت
۳۴	سپاه حق، سپاه بصیرت
۳۵	شب عاشقان بی دل
۳۶	شب اتمام حجّت ها
۳۶	ستارگان سپاه سیدالشهدا
۳۷	آفتاب کربلا
۳۸	خدا دوستانش را می شناسد
۳۸	فرصتی برای انس بیشتر
۳۹	فرصت تفکر
۴۰	شوق دیدار

۴۱	قلب های تاریک
۴۲	یاوران حقیقی
۴۴	دژهای محکم ایمان
۴۵	در آرزوی شهادت
۴۶	بزرگ ترین معامله تاریخ
۴۶	نامی به بلندای تاریخ
۴۷	در سودای محبت دوست
۴۹	برگزیدگان مکتب ایمان
۵۲	۲: صبح عاشورا
۵۲	اشاره
۵۲	صبحی سهمگین
۵۲	جلوه گاه ایستادگی
۵۴	صبح مصیبت ها
۵۴	عاشورا جلوه گاه توکل
۵۵	دعای حسین علیه السلام چه بود؟
۵۶	در اندیشه شهادت
۵۶	پرواز روح
۵۷	چند نکته از یک دعا
۵۸	ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد
۶۱	فصل دوم: پیام های عاشورایی
۶۱	اشاره
۶۳	۳: صراط مستقیم حسین علیه السلام
۶۳	اشاره
۶۳	شکست ناپذیران عرصه کربلا
۶۵	مقصد تربیتی انبیا
۶۵	پیروزمندان عرصه بندگی

۶۶	راه حسین علیه السلام صراط مستقیم
۶۸	جایگاه عزاداری سیدالشهدا علیه السلام
۶۸	عاشورا و مسئولیت ها
۶۹	پیام سیدالشهدا علیه السلام به جوامع انسانی
۷۰	حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام
۷۱	هشدار حسین علیه السلام
۷۲	شعار حسین علیه السلام
۷۴	فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت
۷۵	ارزش های حسینی و وظیفه ما
۷۷	۴: عبرت های عاشورا
۷۷	اشاره
۷۷	جامعه و عاشورا
۷۸	درس های عاشورا
۷۹	باوقاترین اصحاب
۸۰	عبرت از سپاه سیاه
۸۱	آفتاب نینوا
۸۲	امام علیه السلام و بیداری انسان
۸۳	قهرمانان عرصه بلا
۸۴	پیام آوران عاشورا
۸۶	۵: از عاشورا تا ظهور
۸۶	اشاره
۸۶	ابعاد یک حادثه عظیم
۸۷	جلوه های عاشورایی
۸۷	تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام
۸۸	رابطه عاشورا با حکومت مهدوی
۹۰	از عاشورا تا رجعت

۹۲ ظهور، استمرار عاشورا
۹۵ فصل سوم: رسالت عاشورایی ما
۹۵ اشاره
۹۷ ۶: پاسداری از شعائر حسینی
۹۷ اشاره
۹۷ ارزش حفظ شعائر
۹۸ درس عزّت
۹۹ بایدهای مراسم حسینی
۱۰۰ ۷: مسئولیت های عاشورایی
۱۰۰ اشاره
۱۰۱ پیام مکتب حسین علیه السلام
۱۰۲ حوزه علمیّه در خدمت مکتب عاشورا
۱۰۳ نکاتی در باب تبلیغ عاشورا
۱۰۳ حفظ هویت اسلامی
۱۰۵ شناخت اقلیم های تبلیغی
۱۰۶ ارتباط با جوانان
۱۰۶ تقارن عاشورا و نوروز
۱۰۸ ۸: رسالت ذاکران اهل بیت علیهم السلام
۱۰۸ اشاره
۱۰۸ دانشگاه عاشورا
۱۱۰ جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام
۱۱۱ وظایف مدّاحان اهل بیت علیهم السلام
۱۱۳ مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام، دارالرحمه
۱۱۵ فصل چهارم: عاشورا در عاشورا
۱۱۷ ۹: عاشورای مشهدالرضا
۱۲۰ ۱۰: عاشورای خونین ۱۴۲۵

۱۲۰ ----- یزیدیان زمان

۱۲۳ ----- کتاب نامه

۱۲۷ ----- درباره مرکز

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، 1298 -

Safi Gulpaygan, Lutfullah

عنوان و نام پدیدآور : با عاشورائیان / صافی گلپایگانی ظلّه شریف.

وضعیت ویراست : [ویراست 3]

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، 1395.

مشخصات ظاهری : 114ص.: مصور.

شابک : 50000ریال: 8-22-7854-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق -- سوگواری ها

موضوع : Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625 - 680 -- Laments

موضوع : واقعه کربلا، 61ق.

موضوع : Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680

موضوع : عاشورا

موضوع : Tenth of Muharram

شناسه افزوده : دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : BP41/5/ص24ب2 1395الف

رده بندی دیویی : 297/9534

شماره کتابشناسی ملی : 4383823

وضعیت رکورد : فیا

ص : 1

اشاره

عنوان و نام پدیدآور: با عاشورا بیان

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظلہ العالی، 1395.

ص: 2

فهرست مطالب

همای سعادت 9

سخن ناشر 11

فصل اول: دل نوشته های عاشورایی 15

شب عاشورا 17

ای کاش فردا نمی شد 17

رزم آورد حق و باطل 19

سپاه سعادت و لشکر شقاوت 20

سپاه باطل و عدم بصیرت 21

سپاه حق، سپاه بصیرت 22

شب عاشقان بی دل 23

شب اتمام حجّت ها 24

ستارگان سپاه سیدالشهدا 24

آفتاب کربلا 25

خدا دوستانش را می شناسد 26

ص: 3

فرصتی برای انس بیشتر 26

فرصت تفکر 27

شوق دیدار 28

قلب های تاریک 29

یاوران حقیقی 30

دژهای محکم ایمان 32

در آرزوی شهادت 33

بزرگ ترین معامله تاریخ 34

نامی به بلندای تاریخ 34

در سودای محبت دوست 35

برگزیدگان مکتب ایمان 37

صبح عاشورا 40

صبحی سهمگین 40

جلوه گاه ایستادگی 40

صبح مصیبت ها 42

عاشورا جلوه گاه توکل 42

دعای حسین علیه السلام چه بود؟ 43

در اندیشه شهادت 44

پرواز روح 44

چند نکته از یک دعا 45

و دعای حسین علیه السلام مستجاب شد 46

فصل دوم: پیام های عاشورایی 49

صراط مستقیم حسین علیه السلام 51

شکست ناپذیران عرصه کربلا 51

مقصد تربیتی انبیا 53

پیروزمندان عرصه بندگی 53

راه حسین علیه السلام صراط مستقیم 54

جایگاه عزاداری سیدالشهدا علیه السلام 56

عاشورا و مسئولیت ها 56

پیام سیدالشهدا علیه السلام به جوامع انسانی 57

حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام 58

هشدار حسین علیه السلام 59

شعار حسین علیه السلام 60

فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت 62

ارزش های حسینی و وظیفه ما 63

عبرت های عاشورا 65

جامعه و عاشورا 65

درس های عاشورا 66

باوفاترین اصحاب 67

ص: 5

عبرت از سپاه سیاه 68

آفتاب نینوا 69

امام علیه السلام و بیداری انسان 70

قهرمانان عرصه بلا 71

پیام آوران عاشورا 72

از عاشورا تا ظهور 74

ابعاد یک حادثه عظیم 74

جلوه های عاشورایی 75

تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام 75

رابطه عاشورا با حکومت مهدوی 76

از عاشورا تا رجعت 78

ظهور، استمرار عاشورا 80

فصل سوم: رسالت عاشورایی ما 83

پاسداری از شعائر حسینی 85

ارزش حفظ شعائر 85

درس عزّت 86

بایدهای مراسم حسینی 87

مسئولیت های عاشورایی 88

پیام مکتب حسین علیه السلام 89

ص: 6

حوزه علمی در خدمت مکتب عاشورا 90

نکاتی در باب تبلیغ عاشورا 91

حفظ هویت اسلامی 91

شناخت اقلیم های تبلیغی 93

ارتباط با جوانان 94

تقارن عاشورا و نوروز 94

رسالت ذاکران اهل بیت علیهم السلام 96

دانشگاه عاشورا 96

جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام 98

وظایف مدّاحان اهل بیت علیهم السلام 99

مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام، دارالرحمه 101

فصل چهارم: عاشورا در عاشورا 103

عاشورای مشهدالرضا 105

عاشورای خونین 108 1425

یزیدیان زمان 108

کتاب نامه 111

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه 115

ص: 7

همای سعادت

حسین! ای همایون همای سعادت

حسین! ای شه مُلک صبر و شہامت

فروغی ز نور تو خورشید رخشان

ز دریای جود تو کوثر، حکایت

تویی نور چشمان زهرا و حیدر

گل احمر بوستان رسالت

به پا از قیام تو شد پرچم دین

نگون گشت اعلام کفر و ضلالت

رہاندی تو اسلام از چنگ اعدا

فزودیش بر عزّت و بر کرامت

جوانمردی و غیرت و ہمت تو

ز ناموس دین کرد الحق حمایت

الا ای ولی خدای یگانه

خداوند اقلیم مجد و جلالت

فدا کردی اندر رہ دین و قرآن

جوانان و یاران بہ کوی شہادت

گذشتی ہم از اکبر و ہم ز اصغر

ز عباس، آن درّ بحر شجاعت

ز یاران نامی و صحب گرامی

شہیدان شمشیر اہل شقاوت

همه عاشقان وفا و حقیقت

همه رهروان طریق ولایت

همه دشمن ظلم و طغیان و عدوان

همه پیشتازان راه دیانت

شعار همه بود الله اکبر

مرام همه قطع نخل غوایت

ص: 9

بنازم به آن همت عالی تو
به آن صبر و ایمان و آن استقامت
تو اعلام کردی به آزاد مردان
که مرگ است با سربلندی سعادت
به لطف تو دارند چشم شفاعت
عُصاه محبّان به روز قیامت
فدای سر انور بی تن تو
که بر نیزه می کرد قرآن تلاوت
به قربان آن کودک شیرخوارت
که تیر ستم کرد او را سقایت
ایا مالک مُلک حُسن و معالی
ایا معدن جود و فیض و سخاوت
از این وضع دوران و از شدت دهر
مرا هست بر درگهت بس شکایت
سخن در جناب تو سربسته گویم
که ابلغ بود از صراحت کنایت
به «لطفی» ببخشی اگر هر دو عالم
نباشد شگفت ای محیط کرامت
نباشد مرا بیم از نار دوزخ
بینی به من گر به چشم عنایت
لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعه جانسوز کربلا، نقطه عطفی در تاریخ بشریت و مدار تأثیرگذاری و الهام بخشی به همه انسان های آزاده و بیدار جهان شد.

آنان که سر مطهر عزیز خدا و پاره تن رسول را به شادباش زشت کردارترین اهل زمین بردند؛ آرزوی خاموشی نوری را در دل می پروراندند که خداوند قادر متعال، اراده درخشش جاودان او را نموده بود. اکنون قریب به یک هزار و چهار صد سال از آن فاجعه بزرگ که نمود روشنی از ستیز همیشگی حق و باطل است می گذرد اما خورشید عالم تاب حسین علیه السلام هر روز در افقی وسیع تر و متعالی تر در حال تجلّی است.

از عاشورای سال 61 هجری که ندای استغاثه نور چشمان رسول و ریحانه بتول در میان بغض و عداوت و دنیاپرستی فرزندزادگان ضلالت، پاسخی شایسته نیافت قرن ها گذشته است اما بدون شک حسین بن علی از آن زمان تاکنون، لایزال بر انبوه بی شمار جان های شیفته و دل های بی قراری حکومت کرده است که داغ سرخ کربلا را از گلوی تاریخ، نسل به نسل تا پهنه قیامت، فریاد می کنند.

در حماسه بزرگ عاشورا رازی عظیم و مقدّس نهفته است که مرور زمان و تکرار بی نهایت آن غم جاودان، نه تنها از عمق عظمت آن نکاسته بلکه هر روز، افق های روشن تری را در جلو چشمان حق طلبان عالم، گشوده است و به راستی این چه سرّ عظیمی است که یادها به فراموشی می روند اما یاد حسین علیه السلام هر روز تازه تر از گذشته در جان ها زنده می شود و چشمه حیاتی می گردد که جان های شیفتگان را به حقیقت حیات طیبه، آشنا می سازد و تأمل در ابعاد آن حماسه، بر بصیرت و بینش و معرفت آدمی می افزاید.

وسعت تأثیرگذاری و عمق نفوذ حماسه بزرگ عاشورا، که خود از معجزات آن محسوب می شود، به بیان ارزشمند مرجع عالی قدر شیعه حضرت آیت الله العظمی صافیمدظله العالی، آن را تبدیل به یک «دانشگاه حسینی» نموده است: «به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و ده ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند؟».

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی خود نیز به حضور بر همین خوان عظیم کرامت و ولایت مولایش حضرت اباعبدالله و شرکت در دانشگاه امام حسین علیه السلام افتخار می کند. او که خود از قبیله عاشوراییان و

از تبار کربلائیان زمان است مرجعی بیدار و فقیهی جهادگر است که قریب به یک قرن، در احیای تفکر و بینش عاشورا و مبارزه با اهل بدع و ضلال، از پای نشسته و در تبلیغ پیام بلند سید و سالار آزادگان جهان، با عمل و قلم و زبان خویش مجاهدت نموده است.

با عاشوراییان، از عاشورا و پیام آن و رسالت های عاشورایی امروز ما، سخن می گوید. این کتاب، مجموعه نوشته های عاشورایی حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی است که در چهار فصل، تنظیم گردیده است: دل نوشته های عاشورایی، پیام های عاشورایی، رسالت عاشورایی ما و عاشورا در عاشورا.

خواندن این کتاب که با نثری شیوا و روان نگاشته شده فرصتی مناسب برای همه شیفتگان مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است تا جلوه هایی جذاب و ماندگار از شخصیت آسمانی امام شهیدان و قیام حضرتش را با نگاهی عالمانه مرور نمایند و بر معرفت و بینش عاشورایی خویش بیافزایند.

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَمَلَائِكَتِهِ عَلَيَّ مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْدِقَائِهِ وَأَنْصَارِهِ وَعَلَى زُؤَارِهِ وَشِدَائِعِهِ.
حَشَرْنَا اللَّهُ فِي زُمْرَتِهِمْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

ای کاش فردا نمی شد

خدایا چه می شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز قیامت، بامدادش نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن تاریخ سابقه نداشت و بعد از آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد افتاد، رخ نمی داد و تاریخ بشریت، سیاه و آن چنان پر از ننگ و عار نمی گردید و اوج بی رحمی، بی وجدانی و درنده خویی این بشر، که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی کند نشان داده نمی شد، و آن

ددمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگ‌ترین جرایم تاریخ گرد آمده بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار خباثت نفس را نمی‌یافتند.

آنان بدترین جنایت کارانی بودند که خود را به جیفه دنیا و به یزید و ابن زیاد - آن جرثومه‌ها و تجسم ستمکاری، بی‌شرافتی، پستی، پلیدی و همه رذایل اخلاقی و آن دشمنان مردمان مستضعف - فروخته بودند.

خدایا! اگر امشب به پایان نمی‌رسید، شمر و سنان و ابن سعد و حرمله و دیگر شقاوت‌پیشگانی که اولیای تو را محاصره کرده بودند نمی‌توانستند آن همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی‌نوع انسان، ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می‌آیند سرافکننده و شرمنده سازند.

خدایا! چه می‌شد اگر خورشید و ماهت از حرکت باز می‌ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب، عزیزترین و بهترین بندگان تو، حسین علیه‌السلام و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی‌رسیدند و آن همه مصائب جانکاه بر اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله تو وارد نمی‌شد؟

اما خدایا! تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش، قرار دادی و فرمودی:

لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ 1

به قضا و قدر تو ارزش انسان ها ظاهر می شود. تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلام:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ؛ 2

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را به تو فروخته شناخته شوند. و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان می گیرند و

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ؛ 3

توصیفی از خباثتشان است، خود را معرفی کرده و بشناسانند.

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ 4

أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. 5

رزم آورد حق و باطل

امشب سران دو گروه، که همواره در تاریخ، مواجهه و صف آرایی آنها در برابر یکدیگر را خوانده و می خوانیم، در کربلا به صحنه

می آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می سازند.

موقف الهی و رحمانی حسین علیه السلام اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندک و معدود و به باطن امت ها و جهان هایی از شخصیت های بی نظیر و بی بدیل، برای بذل جان در راه خدا، عزت، کرامت، شرف انسانیت، اعلاى کلمه الله و احیای معالم دین تصمیم می گیرند و هیچ گونه فشار، تهدید و اوضاع ناگوار - از شهادت جوانان، تشنگی کودکان و اسارت فاضل ترین و باشخصیت ترین بانوان - به قدر ذره ای در تصمیم آنها اثر نمی گذارد.

و موضع نحس، ناپاک، پلید، ضدانسانی و بی شرمانه سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده اند، می خواهند با فرزند رسول خدا بجنگند و او و تمام یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم ترین و معتبرترین بانوان درگاه خدا را اسیر سازند.

گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جوایز و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا کشانیده بود و گروه حسین علیه السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالیه، دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش، حاضر شده بودند.

سپاه سعادت و لشکر شقاوت

منظره شب عاشورای کربلای سال 61 هجری قمری منظره ای

ص: 20

عبرت انگیز و آموزنده بود؛ سعادت، مناعت و بلندی همت از سیمای یاران امام حسین علیه السلام، و شقاوت، دنائت و پستی از چهره پلید پیروان بنی امیه هویدا بود.

سپاه حسین علیه السلام که خود را چون رهبرشان، سعید می دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می کردند و در حُسن عاقبت خود هیچ شبهه و شکی به دل راه نمی دادند و فاصله ای بین خود و رستگاری و رسیدن به لقاءالله، جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی دیدند، آرام و مطمئن شب را به عبادت، به صبح رساندند.

و سپاه یزید، ابن زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می دیدند، اما هیچ یک خود را با موضعی که داشتند سعادت‌مند نمی دانستند و جز شمر و تنی چند از هم قماشانش، که شاید از کشتن اولیاءالله و فرزندان پیغمبر و آن مظاهر ایمان، توحید و کمال انسانیت لذت می بردند و احساس شرم نمی کردند، دیگران همه با وجدان خویش در جنگ و جدال بودند.

سپاه باطل و عدم بصیرت

به هر حال، اگرچه ما نمی توانیم هویت حق ستیزی فوق العاده و دشمنی بی اندازه بنی امیه با خاندان رسالت و میزان عداوتشان با دین را ارزیابی کنیم، اما می دانیم که با این وجود در میان همین اشقیای کسی نبود که برای کشته شدن و بذل جان آمده باشد؛ همه آمده

بودند تا بازگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حرّ منتهی شدن این جریان به شهادت امام علیه السلام را پیش بینی نمی کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامت و ایستادگی امام علیه السلام و یارانش را در موقفی که داشتند باور ننموده و گمان می کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگ ترین شجاعان دنیا را به تسلیم وادار می نمود، کارساز می شود و امام علیه السلام و یارانش به ذلّت تسلیم تن در می دهند.

خلاصه، جز عده معدودی، احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی ای که در این جنگ می بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند؛ زیرا بر باطل بودند و نمی توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

سپاه حق، سپاه بصیرت

اما اصحاب امام علیه السلام همان طور که خود امام علیه السلام آنها را توصیف کرد و آنها نیز خودشان مکرر اعلام کردند، به چیزی جز شهادت در راه امام علیه السلام راضی نمی شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه، جان خویش را فدا کرده و به فوز شهادت نایل شوند. هدفشان از اینکه

قرآن، موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده و می فرماید:

قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ؛¹

بالا-تر بود. موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن رادمردان ایمان و شرف انسانیت، شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه ای در آن تردید نکردند و به اینکه بر حق اند و شهادتشان در راه خداست و در این جنگ، زیان نمی کنند و کشته شدنشان در نزد خدا بی عوض نمی ماند، ایمان محکم داشتند؛ از این جهت حتی یک تن از آنها در روز عاشورا میدان جنگ را خالی نکرد در حالی که دشمنانشان هرکجا خطر مرگ را می دیدند پا به فرار گذارده و می گریختند.

شب عاشقان بی دل

شب عاشورا، خیام طاهره حسین علیه السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق لقاءالله بود؛ صدای دلتوازشان به مناجات، بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می داد:

لَهُمْ دَوِيٌّ كَدُوِيٌّ النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ. (1)

ص: 23

1- (2) ابن طاووس، اللهوف، ص 57؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج 1، ص 601. «برای آنان آوازی بود همانند آواز زنبوران در حالی که برخی در حال رکوع، برخی در حال سجود، برخی در حال قیام و برخی در حال قعود بودند».

هیچ یک از آنها از اینکه فرداشب، زنده نیست متأسف نبود؛ فقط آن غیرتمندان باشهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می دانستند فرداشب، این باعظمت ترین بانوان بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می شوند و حمایت کننده ای ندارند.

شب اتمام حجّت ها

منظره شب عاشورای حسین علیه السلام و اصحاب آن حضرت، اتمام حجّت دیگری با سپاه کوفه بود که بدانند می خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند؛ تا بفهمند که با شب زنده داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا روبه رو هستند؛ اگرچه بیشتر چهره هایی که برای یاری حسین علیه السلام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

ستارگان سپاه سیدالشهدا

حبيب بن مظاهرها و مسلم بن عوسجه ها، همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه به خصوص سران نامردشان پوشیده نبود و همه، آنها را به زهد، پارسایی، حفظ قرآن، عبادت و شخصیت می شناختند.

ابوعمر و نهشلی به تهجد و کثرت نماز توصیف می شد؛ همچنین سوید بن عمرو به شرافت و کثرت نماز، مشهور بود.

قارب، غلام امام، قاری قرآن بود، شوذب، مجلس روایت داشت و از

مشایخ حدیث بود، همچنین بریر بن خضیر از قراء قرآن بود. قیس بن مسهر و عمرو بن خالد و ابو ثمامه و سوید و عبدالله بن عمیر و سعید بن عبدالله و... همه از شخصیت هایی بودند که حضورشان در رکاب امام علیه السلام و فداکاری هایشان حقانیت خود و گروهشان را ثابت می کرد. علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند: انس بن حارث، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، ابوسلامه و هانی، عبدالرحمن بن عبد رب انصاری و عبدالله بن یقظر نیز به شرف افتخار جان نثاری حسین علیه السلام مشرف بودند. اصحاب حسین علیه السلام شامل بزرگان، حاملان حدیث، عبّاد، زهاد، قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هر یک از آنها سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

آفتاب کربلا

بدیهی است که مشروعیت و حقانیت موقف حسین علیه السلام به خود آن حضرت بود و اگر احدی از این بزرگان از اهل بیت علیهم السلام و از آن صحابه هم، ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین علیه السلام و برحق بودن قیامش مسلم بود، اما شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سیدالشهدا علیه السلام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می شود، امواجی بود که هرکدام جلوه خاص و معنا و مفهومی را عرضه می کند و عظمت آن موجی که هرگز پنهان نمی شود را بیشتر نشان می دهد.

ص: 25

چنان که اجتماع سران اراذل و اوباش و اعدای اهل بیت علیهم السلام و افرادی که معلوم بود در شرکتشان هیچ هدف صحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایت ها و انجام فجیع ترین بی رحمی ها شرکت جسته و نیز برای خوش رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی امیه، آماده شده اند، موقف عزّت، سربلندی و سرافرازی یاران ابی عبدالله علیه السلام را بیشتر آشکار می ساخت.

خدا دوستانش را می شناسد

آری! فرشتگان الهی که به درگاه خدا عرض کردند:

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟ 1

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن سعد و پیروان خطّ و راه آنها نظر داشتند.

و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؟ 2

به گروه حسین علیه السلام و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خطّ می باشند و از آنها پیروی می نمایند، عنایت داشت.

فرصتی برای انس بیشتر

چنان که ارباب تواریخ و حدیث نگاشته اند، عصر روز تاسوعا وقتی

عمر سعد برحسب دستور ابن زیاد مبنی بر فوریت شروع جنگ، فرمان یورش به خیام طاهره را صادر کرد، به شرحی که در کتاب ها نوشته اند، امام حسین علیه السلام از آنها برای اجرای یک سلسه برنامه های عبادی و در واقع وداع با نماز، عبادات و تکالیف الهی یک شب مهلت خواست.

مؤمن آماده برای لقای خدا، در عین شدت شوق برای فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود با خدا را نیز دوست می دارد و آن را هم ظهور و جلوه ای از لقاءالله می بیند؛ برای ولی اللّهی مانند حسین علیه السلام که همه حالاتش در لقا می گذرد، همه جلوات جلوه های لقای حق، لذت بخش است.

فرصت تفکر

این مهلت خواهی، متضمن معانی عالی و اعلان موضع برحق امام بر آن گروه ستمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحید و اعلان محکومیت دشمن بود و درعین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا به حال فکر می کردند که جنگ، با تسلیم سیدالشهدا علیه السلام و اصحابش به پایان می رسد و به شمشیرکشیدن بر روی آن حضرت، که با شمشیرکشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد، منتهی نمی شود، اکنون که بر سر دوراهی جهنم و بهشت قرار گرفته اند در این یک شب در کار خود تأمل کنند.

اگر در همان عصر تاسوعا جنگ بلافاصله شروع می شد، برای آن عده ای که شب عاشورا به اصحاب امام علیه السلام می پیوستند دیگر فرصتی برای تصمیم گیری و بازگشت به سوی حق وجود نداشت و چه بسا که برای سعادت مندی مانند حرّ نیز سعادت ندامت و رجوع به حق حاصل نمی گردید.

بنابراین، این مهلت یک شبهه اگرچه به حسین علیه السلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلتی برای سپاه عمر سعد هم بود که در این یک شب فکر کرده و با رجوع به وجدان خود تصمیم بگیرند؛ اگرچه ابن سعد و شمر و سنان ها تصمیم خود را گرفته بودند و برای محاربه با خدا به کربلا آمده بودند، اما بسیاری بودند که به زور و تهدید و تحت تأثیر عواملی چون ضعف ایمان و نداشتن شجاعت نفسانی، و به امید خاتمه غائله با تسلیم شدن امام علیه السلام بودند؛ از این رو برای اینکه بر آنها اتمام حجت شود، این فرصت یک شبه لازم بود که همین فرصت در رجوع عده ای به حق، مؤثر واقع گردید.

شوق دیدار

شب عاشورا، صدای عبادت و مناجات دلنواز حسین علیه السلام و اصحاب بزرگوارش صحرای کربلا را آکنده از عطر روحانیت، معنویت، شور و شوق و توجه به خدای متعال کرده بود؛ گروهی

پاکباز، دل از جان شسته و خود را به خدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته بودند و دعوت به قرآن، دعوت به حق، دعوت به محکوم کردن ظلم و استکبار و دعوت به نصرت حق و دفاع از نوامیس دین را لَبَّیک گفته بودند.

دعاهایشان همه مشحون به معرفت و حمد و شکر الهی بود؛ خالصانه ترین ستایش ها و نیایش ها همان بودند که آن عزیزان درگاه خدا، به پیشگاه معبود حقیقی خود تقدیم می کردند.

آنان دلشان فارغ از همه اغیار، و پر از اخلاص و محبت به او بود. آن حالی را که داشتند مغتنم می دانستند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرفراز و سربلند بودند.

قلب های تاریک

اما از آن سو، گروه یزیدیان که این منظره روحانی انصارالله در برابرشان قرار داشت، در عمق ظلمات و تاریکی هایی که در آن غوطه ور بودند و «بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» (1) بود، آن روشنایی جهان تاب را می دیدند. اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجلت، سرافکنندگی و از خود بیزاری، چه احساسی می توانست داشته باشد؛ آنها نه دستشان به دعا بلند می شد و نه می توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق، ارتباط برقرار کنند. آنها چه

ص: 29

دعایی می توانستند داشته باشند؟ آیا می توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند؟ آیا واقعاً می توانستند از خدا بخواهند که حسین علیه السلام و یارانش به دست آنها کشته شوند؟ به یقین حتی عمر سعد که با این زبان به لشکرش گفت:

«يَا حَيْلَ اللَّهِ أَزْكَبِي وَبِالْجَنَّةِ أُبْشِرِي»؛⁽¹⁾

نیز نمی توانست میان خود و خدا، به حسین نفرین کند، او خوب می دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می خواهد انجام دهد حاصل نمی شود. اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد دارای ضمیر بیداری بود و دعا می کرد، دعایش غیر از این نبود که: «خدایا! فردا مرا از درگیر شدن با حسین علیه السلام و اصحابش نگهدار! مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین علیه السلام، مبتلا نساز! و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

به راستی که شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

یاوران حقیقی

حسین علیه السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه

ص: 30

1- (1) مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 391؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص 242. «ای لشکریان خدا سوار شوید و بر حسین یورش برید که به بهشت بشارتتان باد».

خواند؛ خدا را به نیکوترین بیان، نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت، پیامبری، علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه جانبه) بخشیده، حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

«فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرَ وَلَا أَوْصَلَ وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا»؛⁽¹⁾

«من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیته را نیکوکارتر، وصله رحم کننده تر و برتر از اهل بیت خویش نمی دانم؛ خدا شما را از جانب من پاداشی نیک دهد».

سپس به آنها فرمود که شرط نیکی و یاری را به جا آوردید و به آنان اذن داد که از آن اقیانوس مؤاج پر از آزمایش به کنار روند و جان خود را نجات دهند و آنها را از بیعت و تعهدی که نسبت به آن حضرت داشتند آزاد و بری الذمه فرمود که بروند و متفرق شوند و به منازل و شهرهای خود برگردند.

«فَإِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا يَطْلُبُونَنِي وَلَوْ قَدْ أَصَابُونِي لَهَوَا عَنْ طَلْبِ غَيْرِي»؛⁽²⁾

ص: 31

1- (1) مفید، الارشاد، ج 2، ص 91؛ ابن نما حلی، مشیرالاحزان، ص 38.

2- (2) طبری، تاریخ، ج 4، ص 318؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 58؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 8، ص 191.

«این مردم قصد من را دارند و در جستجوی من هستند اگر به من دست بیابند کاری به دیگران ندارند».

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب باوفا یک قول و یک سخن، پاسخ دادند که ما هرگز چنین کاری نمی کنیم و امام خود را در میان دشمن، بی یار و تنها نمی گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم، چرا برویم؟ برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم؟!

«لَا أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا»؛ (1)

«خدا هرگز آن را برای ما پیش نیاورد».

ما جان خود و کسان خود را فدای تو می کنیم و در راه تو جهاد می کنیم و در هر بلا و مصیبتی که تو وارد شوی ما نیز وارد می شویم.

دزهای محکم ایمان

پس از اینکه بنی هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود بر شهادت را اعلام کردند اصحاب به نوبه خود بر می خاستند و با عرض جان فشانی و جان نثاری در آن موقعیت به ظاهر پر از رعب و وحشت، که بر حسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام علیه السلام استقبال نمایند، ایمان محکم خود را به امام علیه السلام و راهی که در پیش گرفته اظهار می نمودند و به مرگ و آن شداید و مصائب جانکاهی که

ص: 32

1- (1) طبری، تاریخ، ج 4، ص 318؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 91؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 393.

پیش رو داشتند اهمیتی نمی دادند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوته امتحان چنان بی غلوغش بیرون می آیند.

در آرزوی شهادت

مسلم بن عوسجه ضمن بیان سخنانی پر از معنا و حقیقت، گفت:

به خدا قسم اگر بدانم کشته می شوم سپس زنده می شوم و باز کشته می شوم و به آتش سوزانده می شوم و خاکسترم بر باد داده می شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند، از تو جدا نمی شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم؛ پس چگونه دست از دامن تو بردارم در صورتی که غیر از یک کشته شدن نیست که آن هم موجب کرامت بزرگ تر و جاوید است؟ (1)

زهیر گفت:

دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من، از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند. (2)

سایر اصحاب نیز آنچه باید در چنین موقعیتی بگویند را به عرض رساندند و دلاوران جهان و قوی دلان را از درجه بلند قوت، استقامت، بی پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهور و متحیر ساختند.

ص: 33

1- (1) ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 559.

2- (2) ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 559.

آری! آنچه این رادمردان می خواستند، بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان های پاک بود.

احیای دین، برانداختن بدعت ها، اعلاای کلمه الله، نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال، ابطال باطل، تبدیل تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر:

لَوْلَا صَوَارِمُهُمْ وَوَقَعُ نَبَالِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ الْأَذَانُ ص - وَتَ مُكَبَّرٍ (1)

آنان با بذل جان، رضای خدا و خشنودی رسول خدا و نصرت حق و نصرت قرآن را می خریدند. آنها به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله ای که کردند آن چنان سودی بردند که احدی از انبیا و اولیا در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

نامی به بلندای تاریخ

آن شب و آن روز در بستر زمان بسیار کوتاه بود و به سرعت گذشت، اما آن صبر، پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه ای از آن شب و روز تنها از کسانی مانند آن نخبگان فضیلت و شخصیت، قابل ظهور و صدور است.

ص: 34

1- (1) اگر شمشیر آتشبار و تیراندازی آنان نبود گوش ها هرگز صدای تکبیرگویی را نمی شنیدند.

گوارا باد بر آنان رضای خدا و رضای رسول خدا صلی الله علیه و آله و رضای امیرالمؤمنین علیه السلام و رضای فاطمه زهرا علیها السلام و رضای امام مجتبی علیه السلام و رضای آقا و مولایشان حسین علیه السلام.

همه جهات مادی آنها - که عاقبت هم از میان می رود - در آن معرکه از بین رفت، اما فضیلت، معنویت و نام بلند آنها باقی ماند و اگرچه دشمن بر آن ابدان طیبه چیره شد اما هرچه کرد نتوانست بر مکارم اخلاق، حریت، ایمان، اصطبار و موضع ضد ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قَدْ غَيَّرَ الطَّعْنَ مِنْهُمْ كُلَّ جَارِحَةٍ إِلَّا أَلَمَ -- كَارِمٍ فِي أَمْنٍ مِنَ الْغَيْرِ (1)

خدایا! ما آنها را دوست می داریم و به کار آنها راضی و خشنودیم و مواضع آنها را می ستاییم؛ ما را در زمره آنان و دوستانشان مقرر فرما.

در سودای محبت دوست

اگر شنیده اید که فرموده اند اصحاب سیدالشهدا علیه السلام درد شمشیر را احساس نمی کردند، باور کنید و تعجب نکنید! آنچه آنها می دیدند و به شوق آنچه آنها می رزمیدند و نیل به مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند، شخص را از احساس رنج و درد تیر و شمشیر باز می دارد.

ص: 35

1- (1) ازری، دیوان، ص 301. طعن نیزه ها همه جوارح آنها را تغییر داد جز اخلاق پسندیده آنان که از هر تغییری در امان است.

انسانی که گرم توجّه به حقّ تعالی است و در عوالم وصال با او سیر می کند اگر غیر او و خودش را فراموش کرده و خلع بدن شده باشد عجیب نیست چنان که معروف است که پیکان تیر را از بدن امیرالمؤمنین علیه السلام در حال نماز می کشیدند و آن حضرت دردی احساس نمی فرمود:

در نماز آن چنان ز جا رفتی که دعاوار بر سما رفتی

پر به سودای تن نکوشیدی گاه گندی و گاه پوشیدی

بود غفلت ز سلخ پیکانش که به تن بود آن نه برجانش

وقتی که بانوان مصری با دیدن جمال یوسف چنان از خود بی خود شدند که برحسب آیه کریمه:

فَلَمَّا رَأَيْتَهُ أَكْبَرْتَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ؛ 1

دست های خود را به جای ترنج بریدند و به آن التفات نداشتند، پس اگر اصحاب سیدالشهدا علیه السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال الهی بودند و برحسب اخبار، حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود

خریدند و آن چنان گرم شور و شوق و فوز به لقاء الله و ثواب حق تعالی شدند، جای تعجب نیست.

برگزیدگان مکتب ایمان

این اصحاب، برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و یاران امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام که در آن عصر زنده بودند، پیشی گرفته و بر همه، فضیلت، بلندی و رتبت یافتند.

در کتاب بصائرالدرجات از حذیفه بن اسید غفاری قریب به این مضمون نقل شده است که:

پس از اینکه حضرت مجتبی علیه السلام از کوفه به سمت مدینه عزیمت کرد من در التزام رکاب آن حضرت بودم و شتری را دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت، حرکت می کند. به حضرت عرض کردم: «جُعِلْتُ فِدَاكَ (فدایت شوم)! مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده اید؟». فرمود: «طومار اسامی شیعیان ماست». گفتم: فدایت شوم! می شود آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن ببینم؟. فرمود: «آری! فردا صبح نزد من بیا». از آنجا که من خود خواندن نمی دانستم، برادرزاده ام را

به همراه خویش بردم. حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: «این جوان کیست؟». عرض کردم: برادرزاده من است؛ او را آورده ام تا نام مرا در آن طومار ببیند. حضرت مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان و دفتری را که در میانه است بیاورند. برادرزاده ام در آن نگریست و گفت: عمو! اسم من در این صحیفه است. گفتم: من تو را آورده ام تا نام من را بجویی و تو نام خود را می خوانی؟. جوان چند برگه را ورق زد و سپس نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد. من از این در تعجب ماندم که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا اینکه آن جوان در رکاب حضرت سیدالشهدا علیه السلام افتخار شهادت یافت و راز آنکه اسم او را در ورق ها پیش از نام عمویش، حدیفه ثبت کرده بودند، معلوم شد. (1)

شاید از این جهت باشد که وقتی ابن عباس حبر امت به ترک ملازمت رکاب سیدالشهدا علیه السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت قرار گرفت، جواب داد: إِنَّ أَصْحَابَ الْحُسَيْنِ لَمْ يَنْقُصُوا رَجُلًا وَلَمْ يَزِيدُوا رَجُلًا نَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ شَهَادَتِهِمْ؛ (2) اسامی اصحاب امام حسین علیه السلام را از قبل می دانستیم، نه یک نفر کم و نه یک نفر زیاد.

ص: 38

-
- 1- (1) صفار، بصائر الدرجات، ص 192-193.
 - 2- (2) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 53؛ بحرانی، مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر علیهم السلام، ج 3، ص 503-504؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 185؛ سماوی، ابصار العین، ص 13.

و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: «إِنَّ أَصْحَابَهُ عِنْدَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ»؛ (1) اصحاب امام حسین علیه السلام در نزد ما با اسامی خود و پدرانشان مشخص بود.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ - تَ بِفِنَائِكَ عَلَيْنَا مِنْ سَلَامِ اللَّهِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا.

ص: 39

1- (1) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 53؛ بحرانی، مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر علیهم السلام، ج 3، ص 503-504؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 185؛ سماوی، ابصار العین، ص 13.

اشاره

السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

صبحی سهمگین

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک ترین موافق و هراس انگیزترین ایستگاه ها قرار گرفت و با حوادثی روبه رو شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت.

صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می آید، چنان شکننده است که شکست ناپذیری در برابر شداید آن، جلوه امر محال و غیرممکن را دارد. اگر آن سختی ها بر آسمان ها و زمین و کوه ها فرود می آمد، تحمل آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را یک نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شداید و مصائب این روز از صاحب آن، عجیب و حیرت انگیز است.

جلوه گاه ایستادگی

استقبال از این روز، تنها در تاریخ انسانیت، از یک نفر صادر شده

است (1) و نه پیش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می افتد؛ یک نفر که از نظر ظاهری یک تن بود، اما از نظر معنا و بصیرت در معنویت و شخصیت، یک عالم و عالم ها و بیش از آسمان ها و زمین و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقیقی و اکمل: «الْصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَهِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ، وَهِيَ مَجْمُوعُ صُورِ الْعَالَمِينَ وَهِيَ الْمُخْتَصَرُ مِنَ الْعِلْمِ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ» (2) بود، بزرگ مردی که در این روز و در این میدان پر از آنچه در نظر همه وحشتناک، هول انگیز و غیر قابل تحمل است، ایستاد.

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان در تمام عوالم خلقت را به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مانند: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ 3 وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

ص: 41

1- (1) البته بزرگانی مثل سایر خمسه النجباء عليهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند اما اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی نظیر به عهده حسین علیه السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

2- (2) «صورت انسانیت بزرگ ترین حجت های خدا بر خلق اوست و آن کتابی است که خدا با دست توانای خود آن را نوشته و آن هیکلی است که به حکمت خود آن را بنا کرده و آن مجموع صورت جهان ها و عوالم است و آن مختصر علمی است که در لوح محفوظ است». حدیث معروف است و صدر آن به این متن در تفسیرالصافی، در تفسیر آیه 2 سوره بقره نقل شده است: «الْصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ». ر. ک: فیض کاشانی، تفسیرالصافی، ج 1، ص 92.

الْخَالِقِينَ 1 وَإِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ 2 را تفسیر نمود، حسین علیه السلام است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و در نهایت حسین خدا و حسین و حسین.

صبح مصیبت ها

صبح روز عاشورا است؛ صبحی که آستان مصائب جانکاهی است که حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین، قرآن و شرف آل محمد علیهم السلام همه انسان های شریف، دفاع کنند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن ها میسر نمی شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

صبح عاشورا است؛ انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

عاشورا جلوه گاه توکل

حسین علیه السلام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا، مردم آینده جهان، فرشتگان و همه، اعلام وجود می نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد!

حسین علیه السلام اگرچه وجودش مالا مال از توجه خاصّ به خداوند متعال بود و اگرچه دلش در حدّ کمال، محکم و استوار بود و می دانست که در آن معرکه، که دشمن همه گونه شرارتی را مرتکب می شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی خورند، و با روحیه و قوت ایمان به خدا در خطّ خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می نمایند، امّا با این همه، مرد مؤحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او می داند و فقط او را حی و قیوم می شناسد، از این رو با ابتهال تمام، از خدا طلب کمک کرده و وثوق و اعتماد خود به پروردگارش را اعلام می نماید، و چنان دعا و ابتهال می کند که زبان و بیان ما از تقریر این شور و شوق و توجه حسین علیه السلام و اصحابش به خدا عاجز است.

دعای حسین علیه السلام چه بود؟

حسین علیه السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و همه برای حفظ آنها دعا می کنند، در ورطه خطر قطعی می بیند. او دعا می کند، امّا دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا! جوانانم و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیرخوارم را مورد ترحمّ این اشرار قرار بده؛ نه! او این گونه دعا نمی کرد و هیچ یک از اصحاب و یاورانش هم این گونه دعا نمی کردند؛

آنها همه به شهادت می اندیشیدند؛ آنها از اینکه انصار خدا، انصار رسول خدا و انصار حق می باشند به خود می بالیدند.

در اندیشه شهادت

و چیزی که به فکر آنها خطور نمی کرد، نجات از مرگ بود. آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و ایثار جان در راه خدا هرچه بیشتر، خالصانه موفق تر عمل نمایند و فداکارتر باشند و در برابر ضربات تیرها و شمشیرها و نیزه های دشمن، شایق تر ایستادگی نمایند؛ کشته شدن در راه خدا و شهادت، فوز عظیمی بود که به چشم خویش می دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می شتافتند.

پرواز روح

دعای حسین علیه السلام در این روز، دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را به نمایش گذاشته، و ارتباط خاص و خالص او با خدا را بیان می کند. نکته های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت نهفته، بسیار آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خداست؛ انسانی که تمام وجودش معنای **إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** 1 است. دعا این است:

ص: 44

«اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَبِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلِ بِي تَقَهٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَصْغُرُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَيَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَحْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَسُدُّ مَتَّ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَسَدَّ كَوْنُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنْنِي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ»⁽¹⁾.

چند نکته از یک دعا

در این دعا، که جمله‌های توحیدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی باید شرح بدهند و برهان قدرت ایمان، وثوق، اعتماد و امید امام علیه السلام به خداست، به نکته‌های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا؛ امام علیه السلام در اندوه‌ها تنها

ص: 45

1- (1) ابومخنف، مقتل الحسين عليه السلام، ص 115_166؛ طبری، تاریخ، ج 4، ص 321؛ مفید، الارشاد، ج 2، ص 96؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 217؛ ابن اثیر جزیری، الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 60_61؛ زرنندی، نظم درالسمطین، ص 216. «ای خدا! در هر گرفتاری و اندوه پناه من تو هستی و در هر سختی امید من تو هستی. در هر چه بر من روی آورد تو پناه و یاری کننده من هستی. چه بسیار از غم‌هایی که دل را به تپش در می آورد و چاره را کم می کند و رفیق را درمانده و دشمن زبان به شماتت باز می کند. به تو واگذار نمودم و شکایت آن را به تو کردم برای رغبتی که فقط به تو داشتم نه به غیر تو، و تو آن غم را دفع کردی. پس تو صاحب هر نعمت و هر خوبی هستی و منتهای هر آرزویی تویی».

خدا را پشتیبان و تکیه گاه خود می داند و به احدی غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید؛ که در این مرتبه و مقام نیز حسین علیه السلام در هر شدت و سختی به او و حسن قضای او امیدوار است.

سوم: خدا را ستایش می نماید که در همه حالات و همه هم و غم ها، هموم و غموم او را برطرف ساخته و غصه هایی که دل را ضعیف می نماید و راه چاره در آنها بسته می شود و در آن دوست، شخص را وامی گذارد و دشمن، شماتت می نماید، برطرف فرموده است. در اینجا و در این موقف هولناک نیز از خدا می خواهد که به او توان حفظ آن موقف را عطا کند و او را در تحمل این همه مصیبت ها و بلیات یاری فرماید که تا پایان راه، همه این مدارج و معارج را خودش و اهل بیت و اصحابش با عزمی خلل ناپذیر طی نمایند، و مشتاقانه، یکایک گردنه های خوفناک این وادی را پشت سر گذاشته و پیش بروند؛ و بروند تا به جایی برسند که دیگر این عقل های محدود ما از درک اوج آن عاجز است، و همه قلّه های عظمت را فتح نمایند.

ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد

این دعا و این ابراز اعتماد و وثوق به بهترین وجهی مستجاب شد، و حسین علیه السلام به آنچه اراده کرده بود و می خواست، رسید؛ همه مقاصدش حاصل شد و همه حوائج حقیقی و خواسته هایش برآورده گردید؛ همه

یاران و اصحابش قلّه های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ 1

در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

وَالسَّ -- لَامٌ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (1)

ص: 47

1- (2) نگاشته صبح عاشورای 1428 هـ - ق.

اشاره

أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. 1.

شکست ناپذیران عرصه کربلا

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت، مردان خدا، انبیا، اولیا، از مواقف بسیار هولناک و وحشت زا و روزها و هنگامه های بسیار خطرناکی که برای آنها پیشامد نموده، حکایت می کند که حفظ موضع، مقام، استقامت و انجام وظیفه در آن شرایط موحش، نه تنها کار انسان های

عادی نیست؛ بلکه بسیاری از تَهْمَتَنان، شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهنین نیز در این مواقف به زانو درآمده و در موضع و مقامی که باید بر سر آن بایستند پایدار نمی مانند. این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت زاست که در عرف اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مُعْجَاز شمرده می شود.

کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده، خطرات را تحمّل نموده و در امواج بلیات و تلاطم اقیانوس های مصائب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می باشند.

آنان شکست ناپذیر، شکیبیا و مقاوم بر جای می مانند و جز در مقابل خدای عظیم در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی آورند و هیچ گونه فشار، محرومیت و مصیبتی روحیه آنها را دستخوش تلاطم نمی کند.

نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان - که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند - آنها را به عوض کردن مسیرشان وادار می سازد و نه ترس از شداید، رنج ها و سختی ها، در صبر و مقاومتشان سستی ایجاد می کند؛ کوه های سخت از هم می پاشند اما این رجال الهی متزلزل نمی شوند.

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ

الصَّلَاةُ وَإِيَاءُ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ؛ 1

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. 2

مقصد تربیتی انبیا

یکی از مقاصد مهم بعثت انبیا و تربیت های وحیانی، پرورش همین روحیه مقاومت در برابر اموری است که تسلط آنها بر بشر موجب هلاکت، خسران، زیان معنوی و واقعی و سقوط او می گردد. همه باید مقاوم تربیت شوند و همه باید بر غرایز و خواسته های حیوانی و مشتتهای جسمانی مسلط شوند تا در برابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال، حب دنیا و جنود جهل مغلوب نشوند و در این میدان و رزمگاهی که همواره برپاست غالب و پیروز باشند.

پیروزمندان عرصه بندگی

در این میان، چنان که گفته شد انبیا، اولیا و ائمه هدی علیهم السلام از همگان گوی

ص: 53

سبقت ربوده اند و پیروزمندانۀ مواقف خود را حفظ نموده و عوامل سلبی یا ایجابی در اراده و عزم آنها اثری نبخشیده است. موقف ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسی مسیح و مواقف عظیم حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله، مواقف امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر ائمه هدی علیهم السلام، همه سرمشق، آموزنده، فوق العاده و از مظاهر بزرگ اوج عظمت مقام انسانی و برتری آنها بر فرشتگان و ملائکه است.

راه حسین علیه السلام صراط مستقیم

در این میدان ظهور، موقف حسین علیه السلام و استقامت و پایداری آن حضرت، بی مانند است؛ آن موقف پر از مصیبات و عوامل بازدارنده ای که همه - حتی برحسب زیارت ناحیه مقدسه - ملائکه را شگفت زده کرده که اگر این بشر است، پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم، تجاوز، شرک و کفرند، کیستند؟!

با چنین حُسن و ملاححت اگر اینان بشرن - د

ز آب و خ - اک دگ - ر و شهر و دیار دگرن - د

این موقف، شرایطی بود که برای هیچ یک از انبیا و اولیا؛ نه آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و نه شخص اول عالم امکان، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و نه برای حضرت ابوالاولیا، امیرالمؤمنین علیه السلام و نه برای سایر ائمه هدی علیهم السلام پیش نیامد و این موقف، مختص به خود آن حضرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت تنها در این موقف، تجلی نمود.

هر انسانی که بخواهد از این موقف عظیم چیزی بگوید یا بنویسد اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی منتهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان شناسان، علمای هیئت، صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور که تعداد کهکشان هایش را تا یکصدویست میلیارد هم شماره کرده اند و اگر دیگران و دیگران که در رشته های شناخت اجزای این جهان هستی از انسان، حیوان، کوه، دریا، نور، ذره و اتم و... آگاه و بااطلاع اند، در برابر قدرتی که این مخلوقات کوچک و بزرگ را آفریده، تکبیر و تهلیل و سبحان الله رب السماوات و الأرض می گویند. ما قدرت بی انتهای همان خالق کهکشان ها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسین علیه السلام، صاحب آن همه عظمت ها هم می شناسیم و تسبیح، تهلیل و تکبیر می گوئیم و

«فَسُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْحُسَيْنَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَوْلَادَهُ وَأَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ» بر زبان جاری می کنیم.

ما خطّ حسین علیه السلام را، صراط مستقیم خطّ نجات و رستگاری می دانیم؛ خطّ جهاد، خطّ امر به معروف و نهی از منکر، خطّ مبارزه با کفر و بدعت، خطّ ایثار و فداکاری در راه حفظ اسلام، خطّ محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروج فسق، ملامتی و مناهی.

ما به این خطمشی ها و عزاداری ها و سوگواری ها برای حسین علیه السلام و به برنامه های سازنده و تعهدبخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط شرعی، همه ساله احیا می کنیم و با اسلام و دین و مذهب تجدید عهد می نماییم و همچنین عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام و زیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می دانیم و برای این برنامه ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

عاشورا و مسئولیت ها

باید با یاد و تذکر خاطرۀ عاشورا و فداکاری های سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین و مسئولیت های مهمی که در برابر دین، قرآن و حضرت بقیه الله، امام عصر علیه السلام داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهدا آماده سازیم. می دانیم که حسین علیه السلام با نادانی ها، گمراهی ها، ستم ها و با استضعاف و استعلا مبارزه می کرد. او با مقصد یزید و با هدف ابن زیاد و افکار خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوستدار امام حسین علیه السلام باید این خطّ حسینی را همیشه احیا نموده و سرمشق عمل خود قرار دهد. این محرم و صفرها و این عزاداری هاست که اسلام را نگاه می دارد.

شعار:

«لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا» (1).

از برکت خون حسین علیه السلام تا ابد زنده است و ستمکاران و بی دینان و بدخواهان بندگان خدا را محکوم می نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده تر به گوش می رسد که فرمود:

«الْأ- وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَيْبَةٌ مِنْ أَنْ تُؤْثِرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ»؛ (2)

ص: 57

1- (1) طبرانی، المعجم الكبير، ج 3، ص 114؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 245؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 68؛ طبری، دلائل العقبی، ص 150؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 381. «مؤمن را بایسته است که خواهان دیدار خدا باشد براستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ نمی بینم».

2- (2) ابن طاووس، اللهوف، ص 59. «آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در سر دوراهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیئات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مؤمنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا دارند و دامن پاک مادران ما و مغزهای شخصیت باغیرت و نفوس باشرافت پدران ما اجازه نمی دهند که اطاعت افراد لثیم و پست را بر کشته شدن مردان بافضیلت، مقدم بداریم».

الله اکبر! این کلمات چقدر بلند و شورانگیز است! چقدر نفس انسانی باید شجاعت داشته باشد و تا چه حد باید پایبند به عزت، کرامت نفس، صبر و استقامت، رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد تا بتواند در آن موقف که همه عزیزانش در معرض مهلکه قطعی هستند و شریف ترین و عقیف ترین بانوان او در خطر اسارت می باشند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و قدرت روح نماید.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكَ فَتَفُورَ فَوْزًا عَظِيمًا. (1)

حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام

ای حسین علیه السلام! اسلام از تو زنده شد و قرآن از تو محفوظ ماند. تو ارزش و بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه ایی آعلّم ما لا تَعْلَمُونَ² را تفسیر کردی.

ای حسین! اسلام غیر از تو ناصر و یاور و نجات بخشی نداشت؛ تو را صدا می کرد و به تو شکایت می نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی ها را برطرف کردی.

لَقَدْ بَدَّلْتَ مُهْجَتَكَ فِي اللَّهِ وَاسْتَفَذْتَ عِبَادَ اللَّهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ. (2)

ص: 58

-
- 1- (1) یا اباعبدالله سلام خداوند بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو، ای کاش با تو بودیم؛ پس به رستگاری بزرگ نائل می شدیم.
 - 2- (3) به تحقیق خون و جان خویش را در راه خدا بذل نمودی و بندگان خدا از جهالت و حیرت گمراهی نجات دادی.

در آن اوضاع و احوالی که بنی امیه بر کشورهای اسلامی مسلط شده بود، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم از توحید و اسلام و از اهل بیت علیهم السلام و برای تجدید عهد جاهلیت به کار گرفته بود. سکوت مرگبار و تسلیم در برابر آن وضع ناهنجار و آن همه استکبار و تجاهر به معاصی و گناهان، که نمونه آن، همان یزید الخمرور و یزید الفهود و یزید الفسق و الفجور بود، همه جا را فرا گرفته بود و تنها صدای حسین علیه السلام، که صدای اسلام و صدای قرآن بود، عالم اسلام را بیدار کرد و صدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا، احیاگر اسلام شد.

هشدار حسین علیه السلام

گویی حسین علیه السلام نیز مانند جدش صلابی توحید سر داده و مثل این آیه را، که تبلیغات بنی امیه آن را از یاد مردم برده بود، بر آنها تلاوت می کرد:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ 1

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسران و خویشاوندان، اموال، تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سران کفر و جاهلیت کشانده بود. این امام علیه السلام بود که معنا و مضمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملاً آن را با همت بلند و تصمیم الهی خلل ناپذیرش به کار بست.

آن روز، امروز، فردا و فرداها و در هر زمان و مکانی این خطر وجود دارد و هشدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان، وابستگان، مقام، ثروت و وسایل رفاهی دارید، از خدا، پیغمبر و جهاد در راه خدا بیشتر دوست می دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمت های دنیا بسیار عزیز هستند اما دین، اسلامیت، ولایت اهل بیت علیهم السلام و احکام خدا از همه عزیزتر می باشند.

شعار حسین علیه السلام

راه حسین علیه السلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلام، توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمن و یسار نیست؛ راه افتخار به دوران های کفر و بت پرستی یا آتش پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین علیه السلام، راه ترویج فساد و نوازندگی، معاصی و ملامتی و فخر به این مسائل بیهوده نیست.

راه حسین علیه السلام، راه تجمل پرستی، اسراف، علو، گردنکشی و استحقار مردم نیست.

شعار حسین علیه السلام و ابلاغش، ابلاغ قرآنی و مساوات میان زن و مرد در ارزش های حقیقی است:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ 1

در جامعه ای که از حسین علیه السلام پیروی می شود، این امور ارزش و افتخار است و زنان با مردان در این ارزش ها باید هم طراز و بلکه رقابت داشته باشند و مختلط شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت ها و مشاغلی

ص: 61

که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب زدگی، حاکی از ضعف هویت و شخصیت است.

فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت

در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلاء، علما، اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها، مواعظ و منبرهایی که دارند باید توجه مردم را به این مطالب حیاتی جلب نمایند. یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصت‌های تبلیغی؛ مانند محرم، صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ دین به شهرها، روستاها و قصبات بروند و با مردم و مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استحکام بخشند. در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواری‌های سخت، توأم بود، دین، ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد. هرچه رژیم و نظام طاغوتی با زور و سرنیزه و تبلیغات، مردم را از دین، اسلام و تعهد به احکام باز می‌داشت - تا آنجا که رسوم آتش پرستی را در مدارس پایه گذاری کرده، پایکوبی و ستایش آتش را ترویج نمود و تعلیم ملامی را اجباری کرد و صدها نیرنگ دیگر به کار برد - همه از برکت این ماه محرم و این

منبر حسینی و این محبت و علاقه جامعه به حسین علیه السلام، نقش برآب شد و عاقبت هم همین برنامه های تبلیغی ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکند و رژیم را که می خواست به جای ملت و تاریخ اسلامی تاریخ به اصطلاح خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملت آن چنانی را بر این ملت مقاوم و مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

ارزش های حسینی و وظیفه ما

انتظار از همه طبقات، از مسئولین و مقامات نظام، متصدیان امر آموزش و فرهنگ، رسانه های گروهی و همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزش ها، که رمز موجودیت، استقلال، عظمت، اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک در ارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به خط قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف، راه نفوذ بیگانگان و به خصوص سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.

و همه در راه حسین علیه السلام، که راه حیات و راه عزت و آزادی حقیقی است همگام و همراه شده و هرچه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی حسینی را - که کلاس هایش در همه جا و هر مکان برقرار است و عالم

و جاهل، شهری و روستایی وزن و مرد را در برمی گیرد - بهتر و فراگیرتر و جامع تر از گذشته برگزار کنیم.

وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِهِ وَعَلَى شَيْعَتِهِ وَمُجِبِّيهِ وَمَنْ أَبْكَى أَوْ بَكَى أَوْ تَبَاكَى فِي مَصَائِبِهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (1)

ص: 64

1- (1) پیام به مناسبت سالگشت حادثه عظیم عاشورا، محرم الحرام 1420 هـ - ق.

اشاره

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ؛ 1

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ مُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ.

ثُمَّ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جامعه و عاشورا

با تشکر و تقدیر شایان از عزیزان فرزانه و عاشقان حسینی، برگزارکنندگان محترم همایش کشوری عبرت های عاشورا، حُسن انتخاب عنوان این همایش را به ایشان تبریک می گویم.

همان گونه که از این عنوان استفاده می شود، یکی از شعب مهم و متعددی که محققان در واقعه بی نظیر و تاریخی عاشورا باید به تفصیل

در آن بحث و بررسی نمایند عبرت های بسیاری است که از عاشورا برداشت می شود و پیام های حوادث و وقایع آن است که دانستن آنها برای همگان از هر طبقه سودمند، معرفت بخش و آموزنده است.

تأمل در وقایع عاشورا هرچه ژرف تر و گسترده تر گردد، ثمرات فکری، تربیتی و ایمانی آن بیشتر خواهد بود.

جامعه به چیزی مانند این عبرت ها، پیام ها و درس های عاشورا نیازمند است؛ این پیام ها و عبرت ها باید به همگان ابلاغ شود؛ در مناظر، سخنرانی ها، مقالات و تألیفات و درضمن اشعار و مراثی باید تکرار گردد؛ باید عاشورا را با این معانی عالی و با این عبرت ها تبلیغ نمود، تا همگان به خصوص نسل آگاه جوان، درس های آن را برنامه عمل و حرکت خود قرار دهند. **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**

درس های عاشورا

امتناع امام علیه السلام از بیعت با یزید و سخنان آن حضرت در جواب ولید، حاکم مدینه و مروان و هجرت آن یگانه تاریخ از مدینه به مکه عبرت انگیز و پر از معانی و هدایت های عالی است. توقف آن حضرت در مکه معظمه نیز متضمن پیام هایی است که همه موضع شکست ناپذیر و غیرقابل برگشت آن حضرت را اعلام می کرد. خروج امام از مکه در زمانی که مردم از اطراف، بلاد و شهرها برای حج آمده بودند و آن خطبه تاریخی و پر از ابلاغ و ارشاد و انداز، عبرت انگیز، آموزنده و سازنده بود. اعزام شخصیتی مانند مسلم بن عقیل و پذیرفتن

دعوت مردم کوفه و حوادثی که در کوفه اتفاق افتاد و به شهادت حضرت مسلم منتهی گردید و اتفاقاتی که بین راه مکه تا کربلا و روبه روشن شدن با حرّ واقع شد و آن خطبه رسا، متضمّن آن جمله های پر از پیام و احیاگر روح غیرت و شهادت که هر صاحب بصیرت را تکان می دهد، هشیار و بیدارباشی است که تا این زمان و زمان های بعد، عالم انسانیت را بیدار و آگاه می سازد و این جمله مقاومت آموز آن:

«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»؛⁽¹⁾

همواره باید ورد زبان مردم آزادی خواه و ستم ستیز باشد. افتدای حرّ به امام علیه السلام در نماز، عاقبت خیر و فرجام کار او درس عبرت است. ملاقات امام علیه السلام با عبیدالله حرّ جعفی و خودداری او از قبول دعوت امام علیه السلام و گرایش و انقلاب فکری زهیر در یک ملاقات کوتاه با امام علیه السلام نیز عبرت و راهنمای مردم بر گزینش آخرت بر دنیا، و شهادت و حیات جاودانی بر حیات فانی است.

باوفاترین اصحاب

ورود امام علیه السلام به کربلا همراه با اهل بیت، آن شخصیت هایی که برای خدا، خلقی و بنده ای عزیزتر از آنها در روی زمین نبود، ملحق شدن افرادی معدود از نخبگان و فرهیختگان عالم اسلام به آن حضرت،

ص: 67

1- (1) ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 245؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 150. «به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ و ملال نمی بینم».

مواضع اصحاب تا روز عاشورا، نیل به شهادت، شور و شوق و استقامت و پایداری آنها که اگر جانشان هزار جان بود و جان نثاری در راه دین و نصرت امام علیه السلام هزار بار بیشتر ممکن بود شیفته و مشتاق آن بودند، همه برای عالم انسانیت، عبرت، درس و دستور زندگی شرافتمندانه و خداپسندانه است. مواقف بی مانند و حسّاس و استقبال آنان از تیغ، تیر، شمشیر، مرگ و شهادت، موقف حبیب، موقف عابس، موقف مسلم بن عوسجه، مواقف آن رجال بی نظیر که خود امام علیه السلام در وصف آنها فرمود: «من اصحابی با وفاتر و نیکوکارتر از اصحاب خود نمی شناسم»⁽¹⁾، موقف بنی هاشم، موقف و بلکه مواقف حضرت ابی الفضل، موقف حضرت علی اکبر و موقف قاسم هرکدام مواقفی است که تاریخ بشریت به آن افتخار می نماید و آیه کریمه:

إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ²

را تفسیر می کند. در این میان، مواقف بانوان هم بزرگ و عظیم بود؛ همه کوه استقامت و صبر و تحمل، ذلت ناپذیر، پابرجا، امیدوار بر غلبه حق و موقّیت خود و مغلوبیت حقیقی دشمن بودند.

عبرت از سپاه سیاه

آن سی هزار یا بیشتر لشکر خون آشام، اگرچه همه اصحاب را به

ص: 68

1- (1) «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصَدَّ حَابًا أَوْ فَيَّ وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصَدِّ حَابِي». مفید، الارشاد، ج 2، ص 91؛ ابن نماحلی، مشیرالاحزان، ص 38؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 455؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 57.

شهادت رساندند اما از رخنه در قدرت روحی آنها ناتوان ماندند. این مواضع برای بشر، عبرت است باید در طول قرون و اعصار بگویند و بنویسند، در مدرسه ها و مکتب ها این ایستگاه های درخشان را بیاموزند و درس بدهند تا بشر، خود و گوهر پاکش را بشناسد و خود را به جیفه دنیا نفرشد و معنای این کلام بزرگ علوی را درک کند:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا».(1)

آفتاب نینوا

اما زبان و قلم از بیان عظمت موقف شخص الهی امام علیه السلام و آن قهرمان بزرگ فضایل ملکوتی، خصایص قدوسی و مقامات سبوحی، عاجز و ناتوان است و مثل توصیف ذره و کمتر از آن از آفتاب جهان تاب، و سراب از اقیانوس های آب است. نواحی عظمت و موجبات بصیرت و عبرت در وجود امام علیه السلام، کار، قیام، مواضع و مواقف عالی و متعالی آن حضرت، بسیار و بی شمار است. اتصال قدرت امام علیه السلام به قدرت لایزال الهی در آن موضع گیری های محیرالعقول مشهود است و حقیقت معنای «صَانِعٌ وَجْهًا وَاحِدًا يَكْفِيكَ الْوُجُوهُ» از آن ظاهر و معلوم است.

ص: 69

1- (1) نهج البلاغه، حکمت 456 (ج 4، ص 105)؛ لیلی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 108؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 132-133. «آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی همچون ته مانده طعامی است، به اهلش واگذار د؟ به راستی که جز بهشت هیچ قیمتی برای جانتان نیست؛ پس آن را جز به بهشت معامله نکنید».

در این سیر الی الله، اوج علوّ قدر انسان خلیفه الله که از ملائکه، ارفع و انبل است آشکار می گردد. حقیقت آن سیر و حرکت، سیر به سوی کمال بی نهایت و تقرب بیشتر و بیشتر از کسی بود که حائز عالی ترین رتبه کمال و تقرب به اوست.

تمام آنچه افتخار انسانیت است؛ مانند ایمان، اخلاص، صبر، ایثار، پاسداری از شرف، عزّت، حمیت، حقوق ضعفا، نفی استبداد، ظلم، استکبار و استحقار عبادالله در این برنامه الهی درخشان است.

امام علیه السلام و بیداری انسان

امام علیه السلام برای حفظ دین خدا و نجات امت، مصائب جانکاهی را از داغ جوانان و برادران، اسارت بانوان و شهادت اصحاب، پذیرا شد و میان آخرت، دنیا، خدا، خلق، عزّت و ذلّت و در نهایت میان بهشت و دوزخ و بین شهادت خود و همه بستگان عزیز اسارت اهل بیت و بیعت و تسلیم، مخیر شد و با آن تصمیم قاطع و عزم راسخ و غیر قابل بازگشت، خدا، قرآن، اسلام و حمایت از حقوق جامعه و شهادت خود و همه آن مصیباتی را که هرکدامش برای اینکه تهمتن ترین افراد را به تسلیم وادار کند، اختیار فرمود و صدای بلند و رسای او:

«أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ

وَأَنْ - هُوفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَبِيٌّ - هُ مِنْ أَنْ نُؤْتِرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ». (1)

عالم به خواب خفته اسلام را بیدار کرد.

قهرمانان عرصه بلا

درس های بزرگ و حیات بخشی که طی ظهور این استقامت و مقاومت به مردم داده شد هر یک بی نظیر بود؛ در ارتباط با اصحاب و انصار و شهادت یکایک آنها، شهادت جوانان بنی هاشم و جوان عالی قدری مانند علی اکبر با آن اوصاف و شمایل پیغمبری و برادری چون ابوالفضل العباس و شهادت کودکان و اطفال در هنگام وداع با اهل بیت علیهم السلام و هنگامه های جانگداز دیگر، مناظر و مشاهدی بودند که همه نشان آن بود که قهرمان این صحنه از قدرت و قوتی برخوردار است که هیچ نیرو و قوه مادی و هیچ مصیبت، فشار، قساوت و جنایتی - هر چند دلخراش و غیر قابل تحمل باشد - بر او غالب نمی شود و او را از هدف مقدسی که دارد باز نمی دارد. اینها همه عبرت است و برای بشریت درس حیات، شرف، ایمان و استقامت.

ص: 71

1- (1) ابن طاووس، اللهوف، ص 59. «آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین دوراهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیئات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا دارد و دامن های پاک مادران ما و مغزهای باغیرت و نفوس باشرافت پدران ما اجازه نمی دهند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر کشته شدن مردان بافضیلت، مقدم بداریم».

وقایع بعد از شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام و حضور آنان در مجلس ابن زیاد و یزید و فرصت های دیگر، عبرت انگیز، سرمشق، آموزنده و سازنده است. آن پاسخ های شجاعانه و پرمعنای حضرت زینب علیها السلام به ابن زیاد و خطبه تاریخی آن حضرت در مجلس یزید که از معجزات بزرگ به شمار می رود برای همیشه عبرت است؛ حقایقی که در این خطبه در چنان مجلسی بیان فرمود و تویخ و تحقیر قدرتمندانه یزید، نیروبخش مظلومان در برابر ستمگران است. خطبه حضرت سجاد علیه السلام و در نهایت پیامدهای واقعه جانسوز عاشورا مانند «واقعه توابین» و استمرار یاد این افتخارات که تا عصر ما و اعصار آینده به صورت مجالس روضه و هیئت های عزا ادامه می یابد برای بشریت عبرت است و دلیل قدرت حق و سستی باطل می باشد.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ؛¹

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ؛²

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سَلَامٌ عَلَى اللَّهِ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ وَأَبِي الْأَحْرَارِ الَّذِي بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِي
اللَّهِ حَتَّى اسْتَنْفَذَ عِبَادَهُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيَّرَهُ الصَّلَاةَ وَسَلَامَهُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَوْلَادِهِ وَأَصْحَابِهِ. (1)

ص: 73

1- (1) پیام به همایش عبرت های عاشورای حسینی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ذی الحجه 1423 هـ - ق.

اشاره

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا. 1

ابعاد یک حادثه عظیم

واقعه جانسوز عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام حادثه ای عظیم، یگانه و منحصر به فرد است که نظیر آن در تاریخ، نه قبل از آن واقع شده و نه بعد از آن اتفاق خواهد افتاد.

ابعاد و جوانب بسیار آن به حدی است که ورود در هر کدام موجب آگاهی از جوانب جدید و بیشتر می گردد؛ در حوادث گذشته و آینده نقش و اثر داشته و دارد و حتی می توان حوادث قبل از آن را هم با نگاه به این واقعه بررسی و مطالعه کرد.

البته این حادثه از لحاظ اسرار و نکات مخفی، آن قدر عظیم است که

آنچه از آن ظاهر است با آنکه در اوج عظمت قرار دارد، در برابر آنچه از آن پنهان است قابل قیاس نیست، و چنان تکان بزرگی به عالم داد که هیچ گاه آرام نخواهد گرفت و مانند جرم آسمانی بزرگی است که در اقیانوس بیکران هستی بیفتد و موجی مناسب آن به وجود آید که همواره در طول قرون و اعصار با شفافیت بیشتر در گسترش می باشد.

جلوه های عاشورایی

عاشورا در همه حوادث، به خصوص وقایع عالم اسلام، نقش دارد. وقایعی که بیان تفصیل و تحلیلات تاریخی آنها به بررسی های عمیق و وسیع، نیاز دارد؛ وقایعی که از اعتراض آن زن از بکر بن وائل، ثوره توایین، شهادت سلیمان بن سرد و چهار هزار نفر از قیام کنندگان با او، قیام مختار و حتی آغاز دوره تسلط عبدالله بن زبیر شروع شد و تا به امروز و در عصر ما، انقلاب اسلامی و سقوط حکومت ضد عاشورایی رضاخان و پسرش ادامه پیدا کرد، و سرانجام خدا می داند که تا کی و در چه زمان و عهد قریب یا بعید و پس از چه وقایع تاریخی دیگر، به قیام جهانی و ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام منتهی خواهد شد.

تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام

ظهور شخصیتی مانند حضرت امام زین العابدین علیه السلام، با آن سیره و جلوه، قلوب دوست و دشمن را مسخر ساخت و مانند عمر بن عبدالعزیز - که آن حضرت را سراج دنیا و جمال آخرت می خواند -

اگرچه جلوه ملکوتی آن امام، خودبه خود و در نهایت تمامیت و کمال، جهان را نورانی می کرد واقعه عاشورا و نور جهان تاب حسینی نیز بر زینت و نورانیت آن افزود و در خشنودگی آن را مضاعف تر کرد.

عاشورا همچنین در مواضع حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام اثر گذاشت و باینکه خود آن مواضع، پر از روح و حیات بود، در روح و حیات مواضع آنها نیز تجلی داشت؛ بر عزت، محبوبیت و تأثیر بیشتر مظلومیت حضرت موسی الکاظم علیه السلام و موقف جهان تاب حضرت عالم آل محمد علیهم السلام افزود و به طور کلی همه مقامات و ظهور درجات ائمه طاهرين عليهم السلام از آن استقامت پر معنای حسینی علیه السلام، آن همه صبر و تصمیم متعالی، جلوه و جذّابیتی خاص یافتند و در عین حالی که همه در کمال تمامیت بودند، اما همگی به هم پیوسته و به شکل بزرگ ترین واحد نورانی کثیرالانباء و کثیرالمفاخر و المآثر متجلی شدند و هنوز هم در تجلی هستند.

رابطه عاشورا با حکومت مهدوی

در مورد رابطه انتظار، ظهور، غلبه مطلق حق بر باطل، نصرت اسلام، حکومت واحد اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان و قیام آن یگانه جهان و نادره دوران و نابغه اعصار و ازمان، با عاشورا و آن نهضت الهی و بروز آن قدرت معنوی و حقیقی نیز علاوه بر نکته های گفته شده، درس ها، فلسفه ها و اسرار ناگفته بسیار است.

می توان گفت یک هدف از برقراری حکومت جهانی حَقّه به دست یداللّٰهی حضرت مهدی علیه السلام، تدارک و جبران ظلم و ستم های وارد بر اهل بیت علیهم السلام، مصائب جانکاه، تحقّق وعده های الهی و بلکه عکس العمل تحمّل آن مصائب در راه دین و دفاع از اسلام می باشد که برحسب آیات و روایات است؛ اگرچه در این دنیا و عالم کوچک، تدارک پاداش و ثواب عاشورای حسین علیه السلام فراهم نیست اما در جهان وسیع و پهناور آخرت به گونه ای که مقتضای صفات جمال و کمال الهی است، برنامه وافیه و کافی آن اجرا خواهد شد و جایگاه رفیع و بلند روز عاشورا در بُعد و معنا و جلوه خودش که جز در آن عالم، ظهور و نمایش نمی پذیرد، آشکار خواهد گردید.

متأسّف فانه قلم و بیان ما از توصیف آن مطالب، اعزاز و اکرامی که خدا از حسین علیه السلام می نماید و همچنین بیان روابط عاشورا با قیام حضرت بقیه الله علیه السلام عاجز و ناتوان است و هر مقدار که هرکس بگوید، از حدّ درک خود و درکی که از این معانی در این جهان ممکن است، بیشتر نخواهد بود. برای آشنایی با مقام جلال و جمال و تقرّب حضرت سیدالشهدا علیه السلام به حضرت ذوالجلال والاکرام و تماشای جلوه نورانی حسین علیه السلام در روز عاشورا، که هرچه مصیبات آن حضرت افزون تر می گردید بر جمال جسمانی اش نیز افزوده می شد، باید منتظر آن روز و جهان آینده باشیم. اگرچه از درک حقیقت ربط روز حسین و روز مهدی علیهما السلام در افق بلند و متعالی آن عاجزیم؛ لیکن از بعضی جمله های

احادیث و زیارات و ادعیه، نکاتی استنباط می شود که آموزنده و در سطحی بسیار عالی آن را معرفی می نماید. حتی استمرار ولایت و امامت که منتهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام می شود مرتبط به شهادت سیدالشهدا علیه السلام معرفی می گردد و این یک معنا و سرّی است که علاوه بر آنکه از بُعد معنوی دارای اهمیت خاص است از ابعاد دیگر مثل جامعه شناسی نیز موجه و مثبت است.

از عاشورا تا رجعت

ارتباط دیگر عاشورا با آخرالزمان و ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام مسئله رجعت است که برحسب آن، دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً قاتلان سیدالشهدا علیه السلام و کُشندگان اصحاب بزرگوار آن حضرت و ستمکاران و کسانی که به اهل بیت علیه السلام ظلم کرده اند و همچنین شخص آن حضرت، با اصحاب و انصار عالی مقام و کسانی که خدا می خواهد، به دنیا رجوع می نمایند، و قاتلان سیدالشهدا علیه السلام و ظالمان دیگر، عواقب سوء دنیوی اعمال خود را می بینند. در این ظهور، عنایات الهیه بر اهل ایمان و شیعیان ظاهر می شود و برکات زمین و آسمان آشکار می گردد. از بینش دیگر می توان تأویل کامل آیاتی چون: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا¹ را همان رجعت علوی و حسینی دانست و کلام معجز نظام امیرالمؤمنین علیه السلام را که فرمود:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا. وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ نُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ...؛ 1

به همان معنای ظاهر آن دلیل دانست و از آنجا که این عطف دنیا نسبت به شخص آن بزرگواران، محقق می گردد، معانی آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ 2 و آیات دیگر و خروج دابّه الارض (1) - که به امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر شده (2) - عینیت می یابد.

انتظار فرج، انتظار تحقّق همه این وعده های قرآنی و وحیانی است. هم انتقام از اعداءالله و اعدای آل محمد علیهم السلام گرفته می شود؛ و هم از بازماندگان فکری و اعتقادی آنها، که در عصر ظهور وجود دارند؛ همان ها که به یزید و معاویه و دیگران از اعدای اهل بیت علیهم السلام افتخار می کنند و در مثل زمان ما کتاب حقائق عن امیرالمؤمنین یزید بن معاویه می نویسند و کتاب العواصم من القواصم ابن عربی را نشر می دهند و بر آن شرح و تعلیق می نویسند.

ص: 79

1- (3) نمل، 82.

2- (4) قمی، تفسیر، ج 2، ص 130؛ فیض کاشانی، تفسیرالصفافی، ج 4، ص 74؛ بحرانی، البرهان، ج 4، ص 228.

آخرالزمان عنوان و اصطلاح وسیعی است که ما در انتظار آن هستیم و برنامه های گسترده ای که در آن زمان، اجرا خواهد شد، همه در مسیر جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل و قلع و قمع اعداءالله و اعداءالرسول و اهل بیته و التواصب می باشد، البته ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل جهانی آن حضرت به مثابه هسته مرکزی آن وقایع است و همه ما در زیارت عاشورا آن ظهور و حضور را از خدا مسئلت می نماییم.

ظهور، استمرار عاشورا

به تعبیری می توان گفت که ظهور و رجعت، همه مکمل بعثت و واقعه ولایی - تاریخی غدیر و برنامه ای است که سیدالشهدا علیها السلام اجرا فرمود. از بعضی روایات و القاب آن حضرت و از پیوستگی این معانی و ربط این برنامه ها با سیره و عمل شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت صدیقه علیها السلام آشکار می شود که آنها در عین استقلال، با هم مرتبط بوده و هدف از همه، تحقق اغراض الهی است. «لَا يَعْلَمُ تَفَاصِيلَهَا وَعِظَمَ مَا فِيهَا مِنَ الْأَسْرَارِ إِلَّا اللَّهُ وَالَّذِينَ اخْتَصَّوهُمْ بِهِ».

سخن را در این موضوع کثیرالمطالب و وسیع الابعاد آنها با روایتی به پایان می رسانیم که در آن فضل نصرت سیدالشهدا علیها السلام به نصرت حضرت مهدی علیه السلام تشبیه شده است و از آن استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه همان موقف آن امام مظلوم است.

روایت را خود حضرت امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه ای بر حسب بعضی کتب مقاتل انشا فرموده اند. آن حضرت از جدّ بزرگوارشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت فرموده است به این لفظ:

«قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا غَدًا فِي الْجَنَانِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَانِ وَقَدْ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِي الْحُسَيْنُ يُقْتَلُ بِطِفٍّ كَرَبَلَا غَرِيْبًا وَحِيدًا عَطْشَانًا فَرِيدًا فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي وَنَصَرَ وَلَدَهُ الْقَائِمَ» (1). (2)

ص: 81

-
- 1- (1) سپهر، ناسخ التواریخ، ج 2، ص 160؛ بهبهانی، الدمعه الساکبه، ج 4، ص 271. «هرکس با نفس خویش با ما یاری کند فردا در بهشت با ماست در حالی که از خشم خدای رحمان رهایی یافته است؛ به تحقیق جدّم - رسول خدا که صلوات خدا بر او و خاندانش باد - فرمود: فرزندم حسین در کربلا غریبانه و تنها و تشنه به شهادت می رسد هرکس او را یاری کند مرا و فرزندش مهدی را یاری نموده است».
- 2- (2) پیام به مناسبت حلول محرم الحرام 1428 هـ - ق.

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. 1

ارزش حفظ شعائر

از بزرگ ترین شعائر تشیع و ولای اهل بیت رسالت علیهم السلام اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سیدالشهدا، ابی عبدالله الحسین _ علیه الصلاه والسلام وکحل الله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه - می باشد.

این شعائر، شعائرالله، شعائر اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است.

تعظیم این شعائر هرچه باشکوه تر انجام شود، دل ها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلاى کلمه اسلام نائل می سازد و ظلم، استبداد، شرک و استضعاف را محکوم می نماید.

مکتب جهاد و مدرسه عظمت های انسانی در این شعائر زنده می شود و فریاد حسین علیه السلام:

«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»؛⁽¹⁾

بدن های مستکبران را می لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می سازد.

درس عزت

شعائری است که در طول تاریخ به انسان ها درس می دهد که سربلند، عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت، پستی و هرچه دون شأن انسانیت است تن در ندهید و همگان، همیشه در هر جا و هر مکان با بزرگ مجاهد آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعین - و رهبر آزادمردان جهان، ابوالشهداء و سیدالاحرار فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الدُّلَّةُ» را سر دهید و به خواری و دون همّتی گردن ننهید که علی علیه السلام، امیر مؤمنان، پدر بزرگوار حسین علیه السلام فرمود:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛⁽²⁾

اگر می خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تاسی کنید خود را به غیر از خدا، ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

ص: 86

1- (1) ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 245؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص 150. «به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ نمی بینم».

2- (2) نهج البلاغه، حکمت 456 (ج 4، ص 105)؛ لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 108؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 70، ص 132-133. «آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید».

این شعائر به هر صورت و به هر مظهر و جلوه ای اقامه شود، مقدّس است و برگزارکنندگان آن، مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این شعائر می توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

به طور یقین حضرت بقیه الله - ارواح العالمین له الفداء - در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه السلام همکاری کرده اند.

بدیهی است این مراسم و شعائر باید تا آنجا که ممکن است از ریا، شوائب، هرگونه عمل نامشروع و حرام، پاک و منزّه باشد و همه جلوه های آن، جلوه های حمایت از حق، امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و معصیت باشد. [\(1\)](#)

ص: 87

1- (1) نگاشته 17 ذی القعدة الحرام 1414 هـ - ق، برابر با 8 اردیبهشت 1373 ش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ اللَّهُ هَدُّكَ أَنْتَ بَدَلْتَ مُهْجَتِكَ فِي اللَّهِ حَتَّى اسْتَقَدَّتْ عِبَادَهُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرِهِ
الضَّلَالَةِ وَأَحْيَيْتَ نِظَامَ الدِّينِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَأَصْحَابِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (1)

مکتب حیات بخش حسینی علیه السلام اگرچه در دوره سال و هر زمان و هر مکان به روی شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باز است و در طول سال، برکات آن مورد استفاده است، اما در ماه محرم و صفر و به خصوص عاشورا و اربعین به طور گسترده و با وسعتی بی نظیر گشایش یافته و همه را از پیر و جوان، زن و مرد، شهروندان و روستاییان به سوی خود جلب و جذب

ص: 88

1- (1) سلام بر تو ای اباعبدالله، و سلام بر ارواحی که فانی در تو شدند. به درستی که خون خویش را در راه خدا مبدول داشتی تا خواهان آن باشی که بندگان پروردگار از جهالت و سرگردانی در ضلالت نجات یابند و تو نظام دین را احیا کردی. صلوات، رحمت و برکات خداوند بر توباد و بر اهل بیت تو و یاران تو.

می نماید و به شکل یک دانشگاه عام خود برخاسته با صدها هزار مجلس درس و تعلیم و تربیت و ده ها هزار معلّم و مربّی تشکیل می شود و دانشمندان طراز اول و علمای علوم و فنون و سایر طبقات زیر پوشش آن قرار گرفته و به کسب فیض از آن نائل می شوند. سخن گفتن پیرامون این مکتب الهی و فواید و منافع آموزشی و پرورشی آن و امکاناتی که برای بهره گیری های بسیار بزرگ در ساخت سالم ترین و بهترین جوامع انسانی در آن وجود دارد به تألیف کتاب ها نیاز دارد.

پیام مکتب حسین علیه السلام

مکتب حسین علیه السلام مکتب حیات و مکتب کمال و مکتب آگاهی و بصیرت، مکتب عزّت، شهادت، اخلاق، معرفت، ایثار، فداکاری، حق، ایمان، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. پیام های عالی آن، همه انسان ساز، پیشتاز، افتخارآفرین، دلریا و دلنشین است. اسرار بزرگی که در آن است عقول عالیه را متحیر نموده و بسیاری از غوامض مطالب انسانی را در عالم آفرینش، تفسیر می نماید و عظمت مقام انسان که از همه مخلوقات بالاتر و بهتر است را آشکار می گرداند:

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ؛ 1

در اینجا نمی خواهیم و نمی توانیم که پیرامون این معانی عالی سخنی بگوییم؛ هزارها مقاله و کتاب نوشته و گفته شده و هر چه بگوییم باز هم مجال سخن گفتن گشوده است.

ای - ن ش - رح بی ن -- هایت کز وصف یار گفتند

حرفی است از هزاران کان - در عب - ارت آمد

حوزه علمیہ در خدمت مکتب عاشورا

حوزه علمیہ کهنسال قم، در این دوره جدید که از سال 1340 هجری قمری به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری + بازگشایی شد در کنار برنامه های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد و در این راه با استفاده از مکتب حسینی و علاقه باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام به خصوص واقعه جانسوز کربلا- بهره ها گرفته و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی نظیر کربلا، این مدرسه الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر بابرکت آن می گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج روی ها، کج فهمی ها، بدعت ها و اختناق مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

اکنون که محرم سال 1423 هجری قمری را استقبال می نمایم، به

ص:90

همان شیوهٔ مرضیه، علما، فضلا، طلاب عزیز، خطبا و مبلغان حوزه برای ایفای نقش و مسئولیت های بزرگی که روحانیت در رساندن احکام، هدایت، تبلیغ، احیای شعائر اسلام و معارف مکتب راستین تشیع و ولایت به عهده دارند، عازم بلاد، قراء، قصبات، نقاط دوردست در داخل و خارج ایران می باشند؛ از خداوند متعال برای همه توفیق و تسدید و عنایات خاصهٔ آقایان و آقای همه، حضرت بقیه الله - ارواح العالمین له الفداء - را مسئلت می نمایم. امید است همه به فتوحات بزرگ نائل شده و با همکاری امت عزیز و مخلص و شیعیان پاکباز حضرت سیدالشهدا علیه السلام، مراسم و شعائر عاشورای حسینی و ماه محرم امسال باشکوه تر و پربارتر از سال های گذشته برگزار گردد.

نکاتی در باب تبلیغ عاشورا

حقیر مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از دیگران پنهان نباشد تذکراً به عرض برسانم:

حفظ هویت اسلامی

1. اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه ای بین اسلام و کفر را نشان می دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه بیداری و هشجاری فراگیر به خصوص در طبقهٔ جوان و تحصیل کرده و موارد دیگر موجب شده که دشمنان

اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت های دست نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند و از این رو در مقام معارضا و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتّی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می کنند. باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعدا، تشویق و ترغیب نمود.

از امور مهمّی که باید هر مسلمان آن را وظیفه بزرگ و اساسی خود بداند، حفظ هویت اسلامی است که همواره و به خصوص در این قرن اخیر، تغییر یا خدشه دارشدن و کمرنگ شدن آن را دشمنان، سیاست اصلی خود برای تسلط بر مسلمانان و از بین بردن استقلال اسلامی می دانند؛ ضدّیت با هویت اسلامی را در همه رشته ها و شعب مختلف تمدّن اسلامی فعال کرده و کم و بیش در کشورهای اسلامی به تضعیف آن به طور رسمی با تغییر آن نائل شده اند.

غرب گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی ها و تقلید از آنها حتّی در لباس و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان ها و شعارهایی مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن

و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاحی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می باشد.

باید به مسلمان ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش های غرب مآبانه که متأسفانه گسترده می شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیت بدانند.

ما به عزت تشیع، عزت عزاداری سیدالشیهدا علیه السلام، به اصحاب آن حضرت، به حضرت عباس، به حبیب بن مظاهر، به مسلم بن عوسجه، و به حجر بن عدی و مفاخر بزرگ اسلام و تشیع، به همه افتخار می کنیم.

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ. 1

شناخت اقلیم های تبلیغی

2. بدیهی است درسخرانی ها و منابر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای:

«حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَأَمْسِكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ»؛ (1)

ص: 93

1- (2) نعمانی، الغیبه، ص 41؛ مجلسی، بحارالانوار، ج 2، ص 77. «به میزان شناخت مردم با آنان گفتگو کنید؛ به آنچه که دور از شناخت مردم است با ایشان به گفتگو نپردازید».

دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است و برنامه انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را، اگر در آنجا وجود دارد، شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخنرانی ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

ارتباط با جوانان

3. با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید.

تقارن عاشورا و نوروز

4. امسال، آغاز سال جدید قمری با نوروز مقارن شده است، در این مورد هم باید هویت اسلامی، تشیع و عزای حسینی، با همان رنگ و مظاهر و ظواهر مشروع همه ساله، بلکه بیشتر و باشکوه تر برگزار شود و حال مصیبت، عزاداری و سوگواری به کارهای معمول نوروزی مغشوش نشود و مبارکی و میمنت سال جدید قمری و شمسی از برکت مراسم عزاداری بیمه گردد و ان شاء الله تعالی با خیر و عاقبت و موفقیت مقرون باشد.

البته در مراسم عزاداری هم باید جداً از ملامی و مناهی، که از موانع قبولی این شعائر بزرگ مذهبی است خودداری شود.

امید آنکه همگان در تعظیم شعائر دین و سعی در اعلاى كلمه اسلام و عزت مسلمان مؤيد و منصور باشيم.

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَالسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى الَّذِينَ يُعَظِّمُونَ وِلَاءَ الْحُسَيْنِ وَيَتَّبِعُونَ صِرَاطَ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (1)

ص: 95

1- (1) پیام به مناسبت حلول ماه محرم الحرام، 1423 هـ - ق.

اشاره

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ 1

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِتْنَتِكَ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ. (1)

دانشگاه عاشورا

این روزها و شب‌ها و ساعاتی که می‌گذرد و ما را به سوی ماه محرم 1428 هجری قمری نزدیک می‌کند، یادآور روزها و شب‌هایی است که سیدالشهدا علیه السلام راه لقاءالله و انجام یکی از بزرگ‌ترین مأموریت‌های

ص: 96

1- (2) سلام بر تو ای اباعبدالله الحسین و سلام بر ارواح پاک‌ی که در صحن و آستانه توفروود آمده‌اند، سلام بر مهدی، طلب‌کننده خون شهید کربلا.

الهی را طی می فرمود و به استقبال ماه محرم، روز عاشورا و آن رستاخیز بزرگ و فداکاری بی نظیر برای نجات بشریت و حفظ دین می رفت. در آن مواقف و مقامات که کمترین مصیبت های آن برای این بود که افراد نیرومند را در برابر دشمن به تسلیم و قبول ذلت وادار سازد، امام علیه السلام اوج عظمت مقام انسانیت را به جهانیان نشان داد. همه به استقبال محرم می رویم و در دانشگاه جهانی حسین علیه السلام، که در تمام عالم، مدرسه ها، دانشکده ها و کلاس های آن تشکیل می شود، از پیر و برنا، زن و مرد، عالم و جاهل، استاد و دانشجو و شهرنشین و صحرائشین در آن با کمال خضوع و خلوص شرکت جسته و درس ها و پیام های انسان ساز عاشورا را می شنویم. به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و ده ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب افتخار می نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند.

اگرچه در طول سال و همه ماه ها، مکتب انسان ساز سیدالشیخ هدا علیه السلام تعطیل نیست اما این رمز عجیب و سر بسیار شگفت انگیز و حضور ده ها میلیون نفر از مردم در ماه محرم در این دانشگاه جلوه دیگری دارد. همه از این مدرسه بزرگ درس می گیرند و نسخه های علاج بیماری های نفسانی و معنوی را دریافت می نمایند.

غیر از حسین علیه السلام و استقامت در آن ایستگاه پر از محنت و بلیات چه کسی می توانست چنین حماسه ای را به وجود آورد و این مکتب عظیم را تأسیس نماید؟ حسینیه ها، مساجد، مدارس، دانشگاه ها، بازارها و حتی خانه ها و خیابان ها به صورت اجتماعات بزرگ و به صورت فردی تشکیل می شوند.

شیعیان این دوره را می گذرانند، کتاب ها و مقالاتی را که در شرح «واقعه عاشورا» منتشر شده می خوانند و در کلاس های روضه و وعظ این دانشگاه حاضر می شوند.

جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام

یکی از قشرهای عزیزی که در این دانشگاه عظیم حسینی فعالانه و مخلصانه انجام وظیفه می نمایند، قشر عزیز و مقدس مدّاح است؛ قشری که در مواقع بزرگ، مدّاحی آنها و اشعارشان در تاریخ، اثرگذار بوده و هست و در دفاع از حق، نقش آنها ماندگار بوده و بسا یک شعرشان جامعه ای را عوض کرده و انقلابی را به وجود آورده و دیکتاتورها را محکوم نموده است. اشعار و قصیده معروف فرزدق، سید حمیری، دعبل و دیگران از شعرای عرب و عجم در مدّاحی یا رثای اهل بیت علیهم السلام و نصرت حق، فوق العاده بوده است.

انشا و انشاد این اشعار، جامعه را به هیجان و حرکت درمی آورد و ارواح مرده را زنده می سازد؛ اشعاری مانند اشعار محتشم که همیشه عظمت حادثه بزرگ عاشورا را برای جهانیان بازگو می نماید.

این همایش مدّاحی که از سوی مدّاحان عزیز و نخبه استان قم، مرکز حوزه علمیّه جهانی و عش آل محمد علیهم السلام و روضه منوره مضجع کریمه اهل البیت علیهم السلام منعقد می شود، نویدبخش آن است که به خواست خداوند متعال با همّت بزرگان و پیشکسوتان این قشر، مدّاحان گرامی در ارائه خدمات مهم به اسلام و مذهب و امر به معروف و نهی از منکر، احیای اخلاق حسنه و روح اخوت ایمانی، تعاون اجتماعی و سایر فضایل به توفیقات بیشتر نایل شوند و نقش آنها کامل تر و در حدّ ممکن بی عیب و نقص انجام گردد؛ تا هم در موضع مدیحه خوانی و هم در مرثیه گویی، مرثیه خوانی و ذکر فضایل و مصائب اهل بیت علیهم السلام به کسب بیشترین فیض از آنها نائل شوند.

برای تأمین این جهات باید مدّاحان عزیز، خود بسیج شوند و با علما، نخبگان حوزه و محققان در فنون مربوط به عزاداری اهل بیت علیهم السلام مشورت نمایند و نقاط ضعفی را که ممکن است وجود داشته باشد شناسایی کنند.

وظایف مدّاحان اهل بیت علیهم السلام

حقیر، با کسب اجازه از عزیزان خودم، مدّاحان اهل بیت علیهم السلام، در این مجال اندک به مواردی که باید بدان توجه شود اشاره می نمایم:

1. هدف مدّاحان باید ترویج دین، نشر معارف، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب های بزرگ آن با امور مادی نباشند و

بدانند که خدمات مخلصانه ای را که انجام می دهند اگر با تمام دنیا هم معامله نمایند، مغبون می شوند.

2. مطالبی را که می گویند و هر سخنی را که در هر رابطه، حتی تعریف از اشخاص بر زبان می آورید حَقّ باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه کریمه: **مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ** 1 را مدنظر قرار دهید.

3. سعی شود اشعار مدایح و مراثی که خوانده می شود از جهت مضمون، معنویت و پیام، بلند و عالی و برگرفته از هدایت های قرآنی و روایی باشد و اشعار، ضعیف و متضمن مضامین سست، خرافی و بی مصدر نباشد.

4. از اشعار اغراق آمیز و غلوگونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که برخی عقاید باطله را القا می نمایند باید جداً پرهیز نمود.

5. باید مداحی شعبه ای از تبلیغات دینی و مدّاحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام های ائمه معصومین علیهم السلام باشند. از این رو چاکران با اخلاص آستان مقدّس حسینی اولاً در تصحیح عقاید و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما، سیره و عمل نیز بر تأثیر مضامینی که به شعر یا به نثر القا می کنند بیفزایند و مصداق:

الْمَوْعِظَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ قَلْبٍ وَقَعَتْ فِي قَلْبٍ (1) گردد.

ص: 100

1- (2) چون اندرز از قلب بیرون آید در دل می نشیند.

6. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مدّاحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و هست، مدح اهل بیت علیهم السلام و به خصوص ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصائب حضرت سیدالشّهدا علیه السلام است که حتّی در مختصرترین صورت آن، موجب بهشت می شود اما مدّاحان گرامی باید برای بیدارکردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها از اشعار بامعنا و معرفت بخش و پندآموز در ستایش، حمد و تذکر نعمت های الهی استفاده نمایند.

مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام، دارالرحمه

در پایان، این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا، سیدالشّهدا علیه السلام، از برترین و بافضیلت ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرب مقام، در آن شرکت می نمایند. مجلس عزاداری و مدّاحی، دارالشفاء، دارالرحمه و دارالبرکه می باشد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدّس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیق پیدا می کردم و با مدّاحان و عزاداران در سوگواری و عرض ادب به محضر مقدّس ثارالله شریک می شدم.

يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَتَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً⁽¹⁾

ص: 101

1- (1) پیام به همایش سراسری مدّاحان استان قم، 25 ذی الحجّه الحرام 1427 هـ - ق.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

زمانی که در اثر انقلاب عظیم اسلامی ایران و تلاش ها و مجاهدات مصلحین بزرگ در سراسر عالم اسلام همه مسلمانان، به خصوص نسل جوان و تحصیل کرده در زیر لوای وحدت، امت اسلامی واحده را پی ریزی کرده و دل های همگان سرشار از عشق و محبت به توحید کلمه شده است؛ تفاهیم و تجاوب و هم زبانی و همدردی همه را به هم نزدیک و الفت داده و وحدتی بی سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای اذَلَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اَعَزَّهُ عَلَى الْكٰفِرِينَ 1 و اَشَدُّ دَاءً عَلَى الْكٰفِرِ رُحْمًاۙ بَيْنَهُمْ 2 مستکبرین را سخت به وحشت انداخته است؛ در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی از اینکه با منطق و استدلال، اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند

ص: 105

عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده اند.

امسال این عوامل جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه ترین جنایت ها را - که جهان اسلام را در سوگ و مصیبت فرو برد - مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه والثناء - حرم مطهر آن سلاله پاک پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعبیه بمب در جوار آن مرقد شریف جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته دربان را منهدم و تعدادی از مجلّدات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده اند.

عمق عظمت این فاجعه دلخراش که لگّه ننگ تاریخی بزرگی بر دامن این از خدا بی خبران است با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می شوند بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن زیاد و سپاه حجاج هستند.

این جانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنّن هشدار می دهم که این ایادی مزدور با تمام قوا عزّت و کیان امت اسلام را هدف قرار داده اند، و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ».

باید همه دولت های اسلامی و همه علما و اقطاب فکری این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و براءت خود را از عمال این جنایت بزرگ ابراز دارند.

این جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیه الله - ارواح العالمین له الفداء - و خانواده های محترم عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نائل شده اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می دارم که چه این عوامل بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام و سایر اعتاب مقدسه با این اهانت ها شکسته نخواهد شد و یقین است که آثار سوء این جنایت بزرگ به زودی دستگیر عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده و به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

وَمَا ذُلِّكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ 1

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ 2.3

ص: 107

یزیدیان زمان

حوادث فجیعه بسیار دلخراش و تکان دهنده کشتار و ترور عام زائران و عزاداران پاک نیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در شهرهای مقدّس کربلا و کاظمین در روز عاشورا، عمق ددمنشی و درنده خوبی عاملان آن و کسانی را که در پشت این ترورها قرار دارند آشکار نمود و به دنیا اعلام خطر کرد که اگر بنی امیه، یزید، ابن زیاد و شمر با ظلم هایشان عالم وجود را تکان داده و مصیبت زده کردند، یزیدیان، بنی امیه، بنی مروان و بنی زیاد زمان در روز عاشورا با ترور مسلمانان بی گناه در کربلا، در جوار روضه مقدّسه حضرت سیدالشهدا علیه السلام و در کاظمیه، در جوار حرم مطهر دو امام معصوم، دوباره عاشورا آفریدند و جنایات عاشورا را تجدید کردند. این ترورها و عاملان آن، بشریت را در برابر سباع و درندگان شرمسار نمودند؛ نمی توان رذالت، شرارت و

قساوت این اعمال ددمشانه را با زبان و قلم توصیف و محکوم نمود؛ هر جمله و کلمه ای که برای محکوم کردن آن به کار برده شود عمق این جنایت و اوج بی رحمی و بی شرمی عاملانش را بازگو نمی کند.

بدیهی است مسئولیت سنگین امنیت عراق و این وقایع تلخ و ناگوار بر عهده اشغالگران است، آنها باید پاسخ بدهند و از طرف جوامع بین المللی مورد بازخواست و مؤاخذه، قرار بگیرند.

اینجانب، این مصیبت عظیم را به پیشگاه اقدس حضرت ولی عصر مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء - و به عموم شیعیان مظلوم جهان و محبان اهل بیت علیهم السلام و به وجدان های بیدار بشری و اهالی محترم کربلا، کاظمین، حوزه های علمیه به خصوص حوزه های علمیه اعتبار مقدسه و به خانواده هایی که کسان، فرزندان و بستگانشان به شرف شهادت نایل شده اند تسلیت عرض می نمایم و از خداوند قهار منتقم، قلع و قمع ریشه های فساد و مجازات دشمنان اهل بیت علیهم السلام را مسئلت می نمایم. (1)

ص: 109

1- (1) پیام به مناسبت عاشورای خونین 1425 هـ - ق که در تاریخ 12 اسفند 1382 هـ - ش. صادر شده است.

1. قرآن كريم.
2. نهج البلاغه، الشريف الرضى، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفه، 1412 ق.
3. ابصار العين في انصار الحسين، سماوى، محمد طاهر، مركز الدراسات الاسلاميه، 1419 ق.
4. الارشاد في معرفه حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، بيروت، دار المفيد، 1414 ق.
5. اعلام الورى باعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق.
6. اعيان الشيعه، امين عاملى، سيد محسن (م. 1371 ق.)، بيروت، دار التعارف، 1403 ق.
7. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار عليهم السلام، مجلسى، محمد باقر (م. 1111 ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق.
8. البدايه و النهايه، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، بيروت، دار الفكر، 1407 ق.

9. البرهان فى تفسير القرآن، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، تهران، بنياد بعثت، 1416 ق.
10. بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليه وآله، صفار، محمد بن حسن (م. 290 ق.)، تهران، مؤسسه الاعلمى، 1404 ق.
11. تاريخ الامم والملوك، طبرى، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، بيروت، مؤسسه الاعلمى، 1403 ق.
12. تاريخ مدينه دمشق، ابن عساکر، على بن حسن (م. 571 ق.)، بيروت، دار الفكر، 1415 ق.
13. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله، ابن شعبه حراني، حسن بن على (م. قرن 4)، قم، نشر اسلامى، 1404 ق.
14. تفسير الصافى، فيض كاشانى، محسن بن مرتضى (م. 1091 ق.)، تهران، مكتبه الصدر، 1416 ق.
15. تفسير القمى، قمى، على بن ابراهيم (م. 307 ق.)، قم، دار الكتاب، 1367 ش.
16. الدمعه الساكبه، بهياني، محمدباقر بن عبدالكريم (م. 1285 ق.).
17. ديوان الازرى الكبير، ازرى، كاظم (م. 1211 ق.)، كويت، دار التوجيه الاسلامى، 1400 ق.
18. ذخائر العقبي فى مناقب ذوى القربى، طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، القاهره، مكتبه القدسى، 1356 ق.
19. عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاقوال (الامام

- الحسين عليه السلام)، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، 1425 ق.
20. عيون الحكم و المواعظ، ليشي واسطى، على بن محمد (م. قرن 6)، قم، انتشارات دار الحديث، 1376 ش.
21. الغيبه، نعماني، محمد بن ابراهيم (م 360 ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، 1422 ق.
22. الكامل فى التاريخ، ابن اثير جزرى، على بن محمد (م. 630 ق.)، بيروت، دار صادر، 1386 ق.
23. اللهوف فى قتلى الطفوف، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. 664 ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، 1417 ق.
24. مثيرالاحزان، ابن نما حلى، محمد بن جعفر (م. 645 ق.)، النجف الاشرف، المطبعه الحيدريه، 1369 ق.
25. مدينه معاجز الائمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، 1413 ق.
26. المعجم الكبير، طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق.
27. مقتل الحسين عليه السلام، ابو مخنف، لوط بن يحيى ازدي (م. 157 ق.)، قم، مطبعه العلميه.

28. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریه، 1376 ق.
29. ناسخ التواریخ در احوالات حضرت سیدالشهداء علیه السلام، سپهر، میرزامحمدتقی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1343 ش.
30. نظم درالسمطین فی فضائل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین علیهم السلام، زرنندی، محمد بن یوسف (م. 750 ق.)، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامه، 1377 ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

